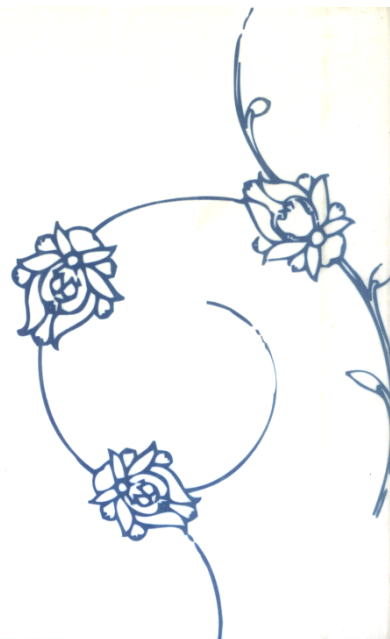




وزارت علوم تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران



اصطلاحات رسمودهایی برای سیاست‌های

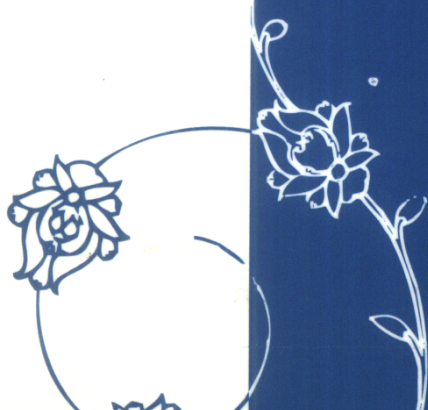
تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی

در جوامع زبانی

شناس

مترجم: نگار دلاوری اردکانی

ابوالفضل زرنیخی



رهنمودهایی برای سیاست های اصطلاح شناسی

**تدوین و اجرای سیاست اصطلاح شناسی
در جوامع زبانی**

**تهیه شده توسط اینفو ترم
زبان اصلی: انگلیسی (CI-2005/WS/4)**

**ترجمه:
نگار داوری اردکانی – ابوالفضل زرنیخی
ویراستار: علی حسین قاسمی**

**پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران
تهران: ۱۳۸۶**

عنوان و نام پدیدآور	رهنمودهایی برای سیاست های اصطلاح شناسی: تدوین و اجرای سیاست
مشخصات نشر	اصطلاح شناسی در جوامع زبانی / تهیه شده توسط اینفوترم؛ ترجمه نگار داوری اردکانی، ابوالفضل زرنیخی؛ ویراستار علی حسین قاسمی.
مشخصات ظاهری	تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۶.
شابک	۷۳ ص. 0-54-7519-964
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یاد داشت	ص.ع. به انگلیسی: N. Davari. Ardakani, Abolfazl Zaarnikh Guidelines for Terminology policies 2005
یاد داشت	کتابنامه: ص. ۶۹_۷۳
موضوع	زبان - برنامه ریزی - دستنامه ها.
موضوع	اصطلاح ها و تغییرها.
شناسه افزوده	داوری اردکانی، نگار، مترجم.
شناسه افزوده	زرنیخی، ابوالفضل، مترجم
شناسه افزوده	قاسمی، علی حسین، ویراستار.
شناسه افزوده	اینفوترم
شناسه افزوده	Infoterm
رده بندی کنگره	p۴۰/۵/ز۲۹
رده بندی دیویی	۳۰۶/۴۴۹
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۸۴۵۷۴

رهنمودهایی برای سیاستهای اصطلاح شناسی

ترجمه: نگار داوری اردکانی، ابوالفضل زرنیخی

ویراستار: علی حسین قاسمی

طراح جلد: هوشیار

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۰۰۰۰

بها: ۱۲۰۰۰ ریال

انتشار نسخه الکترونیکی رایگان توسط ایرانداک
www.irandoc.ac.ir

نام های مورد استفاده و مطالب ارائه شده در این اثر به معنای بیان نظر یونسکو در رابطه با وضعیت حقوقی هیچ کشور، قلمرو، شهر یا ناحیه یا مسئولان آن ها، یا تعیین مرزها یا حدود و ثغور [کشورها] نیز نمی باشد.

فهرست مطالب

صفحه آ	مقدمه مترجمان
» هـ	مقدمه مدیر طرح
» ز	فهرست اختصارات
» ل	پیشگفتار
» ل	مؤلفان
» ۱	۱. تأثیر جهانی شدن بر زبان ها
» ۵	۲. مفاهیم اولیه
» ۹	۳. برنامه ریزی زبان و برنامه ریزی اصطلاح شناسی
» ۹	۳-۱. برنامه ریزی زبان
» ۱۵	۳-۲. برنامه ریزی اصطلاح شناسی
» ۲۷	۴. تدوین و اجرای سیاست اصطلاح شناسی
» ۲۷	۴-۱. تدوین سیاست اصطلاح شناسی
» ۲۹	۴-۲. اجرای سیاست های اصطلاح شناسی
» ۳۰	۴-۳. ساخت ظرفیت انسانی
» ۳۲	۴-۴. نقش مؤسسات ملی اصطلاح شناسی
» ۳۵	۴-۵. اقدامات [بخش] خصوصی
» ۴۳	۵. آماده سازی، تدوین و اجرای سیاست های اصطلاح شناسی
» ۴۴	۵-۱. مرحله ۱- آمادگی برای سیاست اصطلاح شناسی
» ۵۰	۵-۲. مرحله ۲- تدوین سیاست اصطلاح شناسی
» ۵۵	۵-۳. مرحله ۳- اجرای سیاست اصطلاح شناسی
» ۵۷	۵-۴. مرحله ۴- حفظ زیرساختار اصطلاح شناسی
» ۵۹	پیوست: اصطلاحات مورد استفاده در این رهنمودها
» ۶۳	خلاصه
» ۶۹	منابع (گزیده)

مقدمه مترجمان

گاهی این طور تصور می شود که اگر زبان علم در همه کشورهای جهان زبان واحدی باشد، از اتلاف وقت و هزینه جلوگیری می شود و دادوستدهای علمی نیز با سهولت بیشتری صورت می گیرد. اما این تنها ظاهر قضیه است چرا که زبان هر جامعه ای برشی به واقعیات جهان هستی می زند و برداشت خاص خود را از آن بیان می کند. به عبارت دیگر، هر زبانی از زاویه دید خود به پدیده های جهان می نگرد و تعبیر و تفسیر و بازگو می کند و این بسیار تأمل برانگیز است. زبان علم در هر جامعه ای تحت تأثیر عوامل اجتماعی و شناختی آن جامعه شکل می گیرد و در همان چارچوب نیز بسط و گسترش می یابد. از سوی دیگر، امروزه جامعه بشری با پدیده انقراض زبان ها مواجه است و از بین رفتن هر زبانی از یاد رفتن بخشی از دستاوردهای دانش بشری را به دنبال دارد.

این راهنما به منظور سیاست گذاری برای سامان دهی و رواج اصطلاحات علمی طرحی را پی ریزی می کند که حاصل تجارب برنامه ریزان زبان و اصطلاح شناسان کشورهای مختلف است. هدف ما نیز از ترجمه آن، که در نوع خود از اولین کارهایی است که به زبان فارسی برگردانده می شود، جلب توجه جامعه علمی و، مهمتر از همه، سیاست گذاران کشور به مسئله برنامه ریزی زبان و سیاست گذاری برای اصطلاحات علمی است. زبان با نگاهی مبتنی بر استدلال هایی که در این راهنما از آنها بحث می شود در سرنوشت ملت ها تأثیرگذار است. به قول لایب نیتس زبان و ملت توأم با هم شکوفا می شوند. بنابراین، اگر بخواهیم اصولی بیندیشیم، سیاست گذاری برای زبان باید در بدنه سیاست گذاری های کشور قرار گیرد.

لازم می‌دانیم مراتب سپاس خود را از کسانی که در ترجمه این راهنما همراه و گره‌گشای ما بودند ابراز کنیم: کریستین گالینسکی، رئیس اینفوترم و مدیر طرح، سو الن رایت، استاد دانشگاه کنت استیت آمریکا که پرسش‌هایمان را بی‌درنگ پاسخ می‌داد و از هیچ لطفی دریغ نکرد، آینا دراما و دوروته آیشفلدر از پژوهشگران اینفوترم. گرچه همه تلاش خود را به کار گرفتیم، اما منکر خطاها و لغزش‌های احتمالی نیستیم. بنابراین، هر نقدی را به دیده منت می‌پذیریم و از آن به هوشیاری و تیزبینی جامعه علمی یاد خواهیم کرد.

درایت جناب آقای دکتر حسین غریبی، ریاست محترم سازمان اطلاعات و مدارک علمی ایران، و سرکار خانم ملوک‌السادات حسینی بهشتی، مدیر محترم گروه اصطلاح‌شناسی، و اشراف آنان به اهمیت مسئله سبب شد تا سازمان در چاپ و انتشار این اثر همت گمارد. از همکاری این بزرگان صمیمانه سپاسگزاریم و امیدواریم بتوانیم ترجمه سایر آثار را که در این حوزه در نظر گرفته‌ایم با حمایت‌های این سازمان به جامعه علمی و فرهنگی کشور تقدیم کنیم.

نگار داوری اردکانی

n.davari@yahoo.com

ابوالفضل زرنیخی

a.zarnikhi@gmail.com

مقدمه مدیر طرح

این راهنما برای برنامه‌ریزان حوزه اصطلاحات در هر سطح و با هر هدف و انگیزه‌ای مفید و قابل استفاده است. در واقع این راهنما برای طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌بهره‌گذاری تهیه شده است که با رویکردی آگاهانه، سامانمند و کنترل‌شده در صدد وضع، حفظ و کاربرد اصطلاحات در جوامع زبانی معین یا برای چنین جوامعی است.

برنامه‌ریزی اصطلاحات در بسیاری از کشورها فعالیتی مهم قلمداد می‌شود و در سطح ملی، منطقه‌ای، کشوری، محلی، نهادی یا سازمانی انجام می‌گیرد. درضمن، این کار در حوزه‌های تخصصی مختلف مانند شیمی، زیست‌شناسی، فیزیک، پزشکی و... نیز انجام می‌شود. به علاوه، کار اصطلاح‌شناسی جزئی از فعالیت‌های معیارسازی و هماهنگ سازی در صنعت و در سایر حوزه‌هاست. از طرف دیگر، قانون‌گذاری همواره مستلزم پرداختن به تعریف اصطلاحات است. ضرب‌المثلی قدیمی نیز می‌گوید «آنچه را نتوان فهمید نمی‌توان نظم بخشید.»؛ به عبارت دیگر، آنچه «تعریف نشده باشد» به نظر هم در نمی‌آید. سیاست‌گذاری برای اصطلاحات یا تعیین راهبردهای آن، به ویژه در سطح ملی، مستلزم توجه به مسائل پیچیده زیر است:

- عوامل جمعیت‌شناختی
- عوامل فرهنگی، قومی - زبانی و جغرافیایی - زبانی
- عوامل اجتماعی - روان‌شناختی

لحاظ کردن مجموعه این عوامل می تواند تأثیر به سزایی در موفقیت برنامه ها داشته باشد. البته باید توجه داشت که کیفیت و کمیت این عوامل در طول زمان تغییر می کند و این نکته ای است که باید مورد توجه برنامه ریزان اصطلاحات در هر جامعه قومی و زبانی قرار گیرد.

برنامه ریزی اصطلاحات در دهه های اخیر در سطوح زیر انجام شده است:

- در سطح ملی، منطقه ای یا محلی
 - سازمان های بین دولتی^۱
 - سازمان های مردم نهاد (سمن)^۲ (بین المللی)
 - نهادها و سازمان های بزرگ (مثلاً شرکت های چندملیتی)
- این برنامه ریزی ها را می توان در گستره های زیر مشاهده کرد:
- در جوامع زبانی، مثلاً برای توسعه زبان های تخصصی^۳؛
 - در حوزه های تخصصی، مثلاً برای ترویج پژوهش و توسعه؛ و اخیراً

در

- کاربردهای جدید در تجارت الکترونیکی، تلفن همراه، آموزش الکترونیکی، بهداشت الکترونیکی، علوم الکترونیکی، دولت الکترونیکی و سایر فعالیت های موسوم به فعالیت «الکترونیکی».

در سطح راهبردی، تأثیر مثبت برنامه ریزی سامانمند اصطلاحات، به ویژه سیاست گذاری های آن، بر سیاست های مربوط به اطلاعات، دانش یا نوآوری و همچنین راهبردهای آموزشی امری قطعی است. در نتیجه این آگاهی، امروزه کشورها و جوامع زبانی تبیین سیاست های سامانمند اصطلاحات (شامل

^۱. Intergovernmental organizations (IGOs)

^۲. Non-governmental organizations (NGOs)

^۳. Special purpose languages (SPLs)

راهبردهای برنامه‌ریزی اصطلاحات) را برای افزایش قدرت رقابت خود بیش از پیش ضروری می‌دانند. در این شرایط، سیر پرشتاب جهانی شدن باید با سیر پرشتاب محلی‌سازی، یعنی ترجمه و اقتباس مطابق با هنجارهای فرهنگی و زبانی، تکمیل شود.

فهرست اختصارات

CSCW	کار تعاونی رایانه‌ای (شبکه‌مبنا)
GPL	زبان عمومی
HLT	فناوری زبان انسانی
ICT	فناوری اطلاعات و ارتباطات
IGO	سازمان بین دولتی
LP	برنامه‌ریزی زبان
LSP	زبان برای مقاصد ویژه
MCC	رایانش و ارتباطات سیار
NGO	سازمان غیر دولتی (سازمان مردم‌نهاد یا به اختصار «سمن»)
NLP	پردازش زبان طبیعی
NPO	سازمان غیرانتفاعی
SPL	زبان برای مقاصد ویژه یا زبان تخصصی (LSP)
STI	اطلاعات علمی – فنی
TDB	داده‌پایگاه اصطلاح‌شناسی
TMS	نظام مدیریت اصطلاح‌شناسی
UN	سازمان ملل متحد

پیشگفتار

اقدامات بسیاری برای نشان دادن اهمیت اصطلاحات در روند توسعه صورت گرفته است. مثلاً در سطح منطقه‌ای، منشور اروپا برای زبان‌های محلی یا اقلیت (۱۹۹۲) نمونه بسیار بارزی از این اقدامات است که به مسئله اصطلاحات می‌پردازد و بر ارزش چندفرهنگی و چندزبانگی نیز تأکید می‌کند. این منشور حفظ و ترویج زبان‌های اقلیت را با حفظ جایگاه زبان‌های رسمی کاملاً همسو می‌داند.

یونسکو از سال ۲۰۰۰ برای بالابردن سطح آگاهی مردم درباره نقش زبان در رفع شکاف دیجیتالی و ایجاد جوامع دانش فعالیت‌های خود را افزایش داده است. شکاف دیجیتالی معمولاً نتیجه نابرابری در دسترسی به اطلاعات و دانش است که خود ناشی از نابرابری‌های زبانی است. ناکارآمدی و کمبود اصطلاحات از جمله عوامل اساسی در ایجاد این نابرابری‌هاست که منجر به «بی‌سوادی کارکردی»^۱ در حوزه دسترسی به اطلاعات و استفاده از رایانه می‌شود. در برنامه میان‌بخشی^۲ و چندرشته‌ای یونسکو با عنوان **اینیشیاتیو پِیبل**^۳ بر اهمیت چندفرهنگی و چندزبانگی در عصر اینترنت تأکید شده است؛

^۱. Functional illiteracy

^۲. این واژه معادل «intersectional» است؛ یعنی، برنامه‌ای که بخش‌های مختلف آموزشی، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی و... یونسکو درگیر اجرای آن هستند. (توضیحات از دراما)

^۳. e-content

اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی (۲۰۰۱) نیز بیانگر اهمیت این مسئله است. یونسکو برای گسترش دسترسی همه زبان‌ها به محتوای الکترونیکی^۱، افزایش مهارت‌های زبانی کاربران، و ایجاد و توسعه ابزارهایی برای دسترسی چندزبانه به اینترنت نیز اقداماتی انجام داده است. این عزم یونسکو با انتشار **پیشنهادنامه ارتقا و کاربرد چندزبانگی و دسترسی جهانی به ارتباطات الکترونیکی**^۲ (مصوب مجمع عمومی یونسکو در پاریس، اکتبر ۲۰۰۳) تقویت شد. در بحث‌های جانبی، هنگام تهیه این پیشنهادنامه که تبیین‌کننده استانداردهاست، بر این نکته که زبان مهم‌ترین ابزار ارتباط بین انسان‌ها بوده و خواهد بود تأکید شده است. این پیشنهادنامه همچنین دربرگیرنده مسائل مربوط به اصطلاحات، همراه با توسعه و تقویت محتوای چندزبانه، ارتباطات تخصصی، اطلاعات و دانش است.

یونسکو در ادامه روندی که «گردهمایی سران جهان درباره جامعه اطلاعاتی» آغازگر آن بود پیوسته بر نقش زبان و به‌ویژه بر مسائل مربوط به چندزبانگی به عنوان ارکان اصلی تنوع فرهنگی و دسترسی جهانی به اطلاعات و دانش تأکید کرده است. بنابراین، برای جوامع دانش در حال توسعه گسترش اصطلاحات در آموزش، علوم و فرهنگ از اهمیت فراوانی برخوردار است. آمار متفاوتی درباره تعداد زبان‌های زنده جهان گزارش شده است، که به‌طور متوسط (بدون احتساب گویش‌ها و گونه‌های محلی) چیزی بین ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ است. شواهد تجربی بسیاری دلالت بر این دارند که بین رفاه اجتماعی – اقتصادی هر جامعه و کاربرد زبان ماری در حوزه‌های فرهنگی، علمی و

^۱. e-content

^۲. cyberspace

تجاری رابطه تنگاتنگی وجود دارد. کسانی که زبان مادری‌شان از نظر اصطلاحات و زبان‌های تخصصی (آنطور که باید و شاید) توسعه نیافته است یا آنها که از به کاربردن زبان مادری خود در آموزش، دسترسی به اطلاعات یا تعامل در محیط‌های کاری منع شده‌اند مردمی محروم تلقی می‌شوند.

جوامع زبانی کوچکتر (شامل انواع اقلیت‌های زبانی) برای اینکه از نظر توسعه علمی - فنی و اقتصادی - صنعتی به حاشیه رانده نشوند باید بیشتر از جوامع بزرگتر از اطراف خود کوشش کنند، در غیر این صورت ممکن است در نهایت دچار رکود اجتماعی - اقتصادی شوند. معمولاً وقتی کاربرد یک زبان فقط به فرهنگ عامه و محیط خانه محدود شود در ارتباطات تخصصی ناکارآمد خواهد شد. همچنین، زبانی که دچار کمبود اصطلاحات در برخی حوزه‌هاست، به مرور زمان، توانایی برقراری ارتباط در آن حوزه خاص را از دست می‌دهد. بنابراین، اجرای سیاست‌گذاری برای چنین جوامع زبانی از جمله اقدامات برنامه‌ریزی زبان است. برنامه‌ریزی (مداوم) برای اصطلاحات در بیشتر جوامع زبانی - یا حتی همه آنها - و جلب حمایت‌های قانونی، مالی و اجرایی امری ضروری است.

هدف این راهنما ارائه ابزاری هوشمند برای تدوین و اجرای سیاست‌گذاری بر مبنای فعالیت‌های تثبیت‌شده برنامه‌ریزی زبان است. این راهنما طوری طراحی شده است که برای همه کشورها و جوامع زبانی سودمند باشد؛ چه آنهایی که در حال توسعه‌اند و اصطلاحاتشان هنوز پرورده نشده است و چه آنهایی که توسعه یافته‌اند و دارای اصطلاحات کاملاً رایج و فعالیت‌های گسترده در حوزه

اصطلاحات هستند و بازارهایی برای عرضه محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی دارند.

در کشورها و مناطقی که دو یا چند جامعه زبانی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و با هم تعامل دارند باید سیاست‌گذاری اصطلاحات با توجه به این وضعیت انجام شود. حوزه اصطلاحات نیز مانند زبان (به مفهوم عام) حوزه‌ای بحث‌انگیز است، به ویژه زمانی که پای چند جامعه زبانی در میان باشد. در چنین مواردی اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و اعلامیه حقوق اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی سازمان ملل (قطعنامه ۴۷/۱۳۵ به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲) می‌توانند بسیار راهگشا باشند. با توجه به آنچه گفته شد و با در نظر گرفتن این واقعیت که اصطلاحات مؤلفه ضروری سواد اطلاعاتی هستند - که شامل سواد کارکردی، سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال و... هم می‌شود - یونسکو برای سازمان‌دهی گروهی از متخصصان با هدف تهیه راهنمای سیاست‌گذاری برای اصطلاحات علمی قراردادی یا اینفوترم منعقد کرد؛ این راهنما چارچوبی سامانمند در اختیار تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران قرار می‌دهد تا بتوانند چنین سیاست‌گذاری برای توسعه درازمدت و پایدار کشورها و جوامع زبانی خود تدوین کنند. مؤلفان این اثر هر یک پیشینه فرهنگی و اجتماعی متفاوتی دارند و همچنین دارای تجارب گوناگونی در زمینه طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌گذاری هستند که عصاره آن در این راهنما گنجانده شده است.

مؤلفان

آلبرتس، ماری یتا^۱ (پن سالب^۲ / آفریقای جنوبی)
آنتیا، بسی^۳ (دانشگاه مایدوگری^۴ / نیجریه)
آکسوریوت، آبینا^۵ (لیتوانی)
بودین، گرهارد^۶ (دانشگاه وین / اتریش)
چن، نلیدا^۷ (کانادا)
دراما، آنیا^۸ (اینفوترم^۹ / آلمان)
گالینسکی، کریستین^{۱۰} (اینفوترم / اتریش)
گو، چوئانجی^{۱۱} (چین)
هکتور، پل^{۱۲} (یونسکو)
هنگ، گوی - هیون^{۱۳} (کره)

¹. Alberts, Marietta

². PanSALB= Pan South African Language Board

³. Antia, Bassey

⁴. Maiduguri

⁵. Auksoiriute, Albina

⁶. Budin, Gerhard

⁷. Chan, Nelida

⁸. Drame, Anja

⁹. Infoterm

¹⁰. Galinski, Christian

¹¹. Guo, Chuanjie

¹². Hector, Paul

¹³. Hong, Gwi-Hyeon

پاپوف، سرگی^۱ (وی‌نی‌کی^۲ / روسیه)
پلستد آلوارس، ماریا سیسیلیا^۳ (آیکون‌تک^۴ و دانشگاه آنتیوکیا^۵ / کلمبیا)
پوستا، یانوش^۶ (مجارستان)
ریتسار، بوهدان^۷ (اوکراین)
رایت، سو ال^۸ (دانشگاه کنت استیت^۹، مؤسسه زبان‌شناسی کاربردی / آمریکا)

-
- ¹. Papaev, Sergey
 - ². VNIKI
 - ³. Plested Alvarez, Maria Cecilia
 - ⁴. ICONTEC
 - ⁵. Antioquia
 - ⁶. Pusta, Janos
 - ⁷. Ritsar, Bohdan
 - ⁸. Wright, Sue Ellen
 - ⁹. Kent State

رهنمودهایی برای سیاست های اصطلاح شناسی

**تدوین و اجرای سیاست اصطلاح شناسی
در جوامع زبانی**

۱. تأثیر جهانی شدن بر زبان‌ها

زبان ابزار اصلی ارتباط بشری است. زبان انسانی نقش بیش از پیش مهمی نیز در ارتباط انسان - ماشین ایفا می‌کند و بیش از پیش در رابطه ماشین با ماشین وارد می‌شود. زبان به گونه‌ای که در هزاره اخیر توسعه انسانی ظهور کرده، پدیده بسیار پیچیده‌ای است. به رغم باور رایج، زبان چیزی بیش از ابزار انتقال اطلاعات است. زبان در ابعاد فرهنگی، پیوند تنگاتنگی با هویت جوامع و نیز افراد دارد. به این ترتیب، تعجب‌آور نیست که گاهی افراد نسبت به مباحث زبانی خود، نگرشی عاطفی دارند.

علم زبانشناسی، بین زبان برای مقاصد عمومی (GPL یا زبان روزمره) و زبان برای مقاصد ویژه (SPL - یا زبان تخصصی) تمایز قائل می‌شود. گرچه سند حاضر، ابعاد فرهنگی و عاطفی را از نظر دور نمی‌دارد، بیشتر به زبان تخصصی می‌پردازد و برای آن سه کارکرد قائل است:

- برقراری ارتباط قلمرویی (یا به عبارت دیگر، حوزه موضوعی یا حرفه‌ای)؛

- بازنمایی دانش تخصصی (یا به عبارت دیگر، دانش قلمرویی یا مرتبط با حوزه موضوعی)؛

- دسترسی به اطلاعات تخصصی (یا به عبارت دیگر، اطلاعات قلمرویی یا مرتبط با حوزه موضوعی).

در این بستر، از «زبان‌های تخصصی» جوامع متعلق به قلمروهای مختلف، که به یک حوزه موضوعی یا دیگر انواع تخصص تعلق دارند، سخن می‌گوییم. اعضای این جوامع عموماً بر سر قراردادهای زبانی خود توافق دارند، که این

قراردادها لزوماً با قراردادهای «زبان عمومی» انطباق کامل ندارند. از آنجا که جامعه مدرن شدیداً تحت نفوذ توسعه علمی- فنی است، زبان‌های تخصصی هم تأثیر بسزایی بر توسعه زبان عمومی مربوطه دارند.

چون علم و فناوری پایه توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند، تعامل بین زبان و فعالیت اقتصادی- در وجه عام- امری کاملاً بدیهی است. این «قدرت نسبی» زبان در یک جامعه زبانی بخصوص- پس از یک فاصله زمانی- منعکس‌کننده عملکرد اقتصادی آن جامعه زبانی است. بنابراین، امروزه زبان تخصصی در مباحث برنامه‌ریزی زبان و در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مربوط به برنامه‌ریزی زبان از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. اما با توجه به پیچیدگی بیش از حد آن برنامه‌ریزی زبانی که هم زبان عمومی و زبان تخصصی را شامل می‌شود، می‌توانیم و بهتر است که این دو حوزه را از هم جدا کنیم. با این کار، بهتر می‌توان برنامه‌ها را اجرا، و عملکردها را پیگیری نمود. به این ترتیب، برنامه‌های توسعه زبان ملی بر توسعه زبان عمومی متمرکز خواهند شد و از نظر توسعه نظام‌مند زبان‌های تخصصی (عمدتاً از طریق برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی)، با برنامه‌های ملی توسعه اصطلاح‌شناسی مشارکت خواهند کرد.

در این مرحله از ملاحظات، باید اذعان کرد که اصطلاحات، عنصر عمده زبان تخصصی را تشکیل می‌دهد. در هر جا و در هر زمان که موضوع دانش و اطلاعات تخصصی در میان باشد، اصطلاح‌شناسی نقش مهمی دارد:

- در تولید دانش و اطلاعات تخصصی (مثلاً در پژوهش و توسعه)،
- در به کارگیری دانش و اطلاعات تخصصی (مثلاً در متون تخصصی)،
- در ثبت و پردازش دانش و اطلاعات تخصصی (مثلاً در پایگاه‌های داده‌ها)،

- در انتقال دانش و اطلاعات تخصصی (از طریق مهارت‌آموزی و تدریس)،

- در پیاده‌سازی دانش و اطلاعات تخصصی (مثلاً در انتقال دانش و فناوری)،

- در ترجمه و تفسیر دانش و اطلاعات تخصصی.

در نتیجه، امروزه باید برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی را از بعد بسیار وسیع‌تر، یعنی بُعد ابداع، بُعد اطلاعات، دانش و حتی راهبردهای محتوای الکترونیکی نگریست. جامعه زبانی که زبان آن، اصطلاحات فنی و علمی خود را ندارد، ناگزیر است که در ارتباطات قلمرویی، از زبان خارجی دیگری که توسعه‌یافته‌تر است استفاده کند. به طور کلی در حال حاضر اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی، پشتیبانی فراوانی از ارتباطات می‌کنند. نبود اصطلاحات مناسب، به طور غیرمستقیم اما بی‌تردید، باعث بروز شکاف‌های دیجیتالی می‌شود که این شکاف‌ها به طرق گوناگونی جلوه خواهند کرد.

توسعه سریع جوامع دانشی با توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات همراه است. بویژه با همگرایی مخابرات و فناوری رایانه (که با گرایش به درآمیختگی دو حوزه ارتباطات و رایانش سیار همراه است) تسریع می‌شود. به موازات فراگیرتر شدن فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، نیاز آشکارتر به روش‌های مؤثر و کارآمد بهره‌گیری از این ابزارها رو به فزونی می‌گذارد. هزینه سخت-افزارها و نرم‌افزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات تدریجاً رو به کاهش می-رود و این در حالی است که هزینه‌های تولید «محتوا» و استفاده از آن، رو به فزونی است. البته این هزینه‌ها در اغلب موارد، «هزینه‌های پنهان» هستند که نه‌تنها به هر سازمان و مؤسسه مشخص، بلکه به جوامع زبانی نیز تحمیل می-شود. در اینجا است که اصطلاحات نقش بسزایی ایفا می‌کنند: داده‌های

اصطلاح‌شناختی عناصر جدایی‌ناپذیر دانش و اطلاعات تخصصی (که بخش عظیمی از محتوا را- به طور عام- در خود دارند) می‌باشند. در نتیجه برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی، در ترکیب با توسعهٔ نظام‌مند فناوری‌های زبانی مربوطه^۱ قابلیت‌های راهبری زبان را به طور تصاعدی بالا می‌برد. سطح نسبی توسعهٔ یک کشور را می‌توان با میانگین توانایی شهروندان آن در استفاده از اطلاعات برای انتقال دانش و قابلیت‌سازی، اندازه‌گیری کرد. چون داده‌های اصطلاح‌شناختی عنصر هسته در بازنمایی دانش و اطلاعات تخصصی را تشکیل می‌دهد، فراهم بودن و دسترسی داشتن به این داده‌ها از عوامل بسیار مهم اجتماعی- اقتصادی تلقی می‌گردد. این رهنمودها برگرفته از تجارب بسیاری از جوامع زبانی و کشورهایی است که در برنامه‌ریزی زبان و اصطلاح‌شناسی فعالیت‌هایی داشته‌اند. این رهنمودها در مرحلهٔ خاصی از برنامه‌ریزی زبان، گذار به یک سیاست اصطلاح‌شناسی را که به گونه‌ای نظام‌مند، پرورانه و اجرایی شده باشد، همراه با ارتباطات قلمرویی، توصیه می‌کنند.

^۱ . HLT

۲. مفاهیم اولیه

در این سند، مفهوم **ارتباط** به ارتباطات بین انسانی محدود شده است که ارتباطات (شفاهی) در قالب گفتار یا نوشتار و همچنین ارتباطات غیرشفاهی را شامل می‌شود. مراد از **ارتباط قلمرویی**^۱ ارتباط تخصصی- یعنی ارتباط علمی- فنی، یا حرفه‌ای- در یک قلمرو [خاص] است که در معنای علمگرایانه، همه حوزه‌های موضوعی علمی- فنی و نیز دیگر حوزه‌های کارشناسی را دربرمی‌گیرد. ارتباط فنی در اینجا به معنای «فناوری ارتباطات» مورد استفاده قرار نگرفته، بلکه به معنای نگارش فنی یا مستندسازی فنی است؛ به عبارت دیگر، آماده‌سازی اسنادی که به زبان عمومی نوشته شده‌اند یا عمدتاً حاوی متن به زبان عمومی هستند. **برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی** عمدتاً زبان را بر اساس نیازها و مقتضیات ارتباطات قلمرویی، توسعه می‌دهد.

زبان برای مقاصد ویژه (SPL) یا زبان تخصصی (زبانی است که توسط مجامع کارشناسی با مجموعه کوچک یا بزرگی از اصطلاحات مشترک و قراردادهای زبانی خاص آن قلمرو به کار برده می‌شود. این زبان از جهات مختلف با **زبان برای مقاصد عمومی (GPL)** یا زبان روزمره، که زبان عمدتاً مورد استفاده برای مقاصد روزمره در هر جامعه زبانی است) تفاوت دارد. البته گونه‌های مختلفی از زبان (از جمله گویش‌ها) را می‌توان یافت که قراردادهایشان از به اصطلاح **هنجارهای زبانی** تبعیت نمی‌کنند. هنجارهای زبانی شامل مجموعه‌ای از قراردادهای زبانی‌اند که معیار زبانی مشترک یک جامعه زبانی قلمداد می‌شوند. زبان‌های عمومی زبان هر جامعه زبانی جداگانه‌ای است، در حالی که زبان‌های

^۱ . domain communication

مقاصد ویژه، زبان تخصصی مورد استفاده جوامع کارشناسی قلمرویی، در درون یک جامعه زبانی بزرگ‌تر هستند.

امروزه به طور روزافزونی فناوری در زبان هم کاربرد می‌یابد: مثلاً **مهندسی زبان** به عنوان یک حوزه موضوعی که رو به سوی **پردازش زبان طبیعی** (NLP) دارد مطرح شده است. فناوری‌های مشتق از مهندسی زبان، **فناوری‌های زبان انسانی** (HLT) نامیده می‌شوند. در این فناوری، دانش زبان در جهت تولید سیستم‌های رایانه‌ای به کار می‌رود که قادر به بازشناسی، درک، تفسیر، و تولید همه صورت‌های زبان انسانی هستند؛ به بیان دیگر، تولید برنامه‌هایی که تراکنش مستقیم با رایانه را برای انسان ممکن می‌سازند.

علم اصطلاح‌شناسی یک حوزه موضوعی است که به بررسی ساختار، شکل‌گیری، توسعه، کاربرد و مدیریت **اصطلاحات** در حوزه‌های موضوعی مختلف می‌پردازد و مبنای روش‌شناختی بسیاری از برنامه‌ها را مهیا می‌کند. **ابزارهای اصطلاح‌شناختی** - که بیش‌تر به صورت نرم‌افزارهای کاربردی اصطلاح‌شناسی هستند - برای کار کردن با داده‌های اصطلاح‌شناختی به شیوه‌های گوناگون و با اهداف متفاوت به کار می‌روند. مثلاً **نظام‌های مدیریت اصطلاحات** (TMS) به مثابه ابزاری برای ثبت، ذخیره، پردازش و برون‌داد داده‌های اصطلاح‌شناسی مطابق با اصول شناخته شده حرفه‌ای طراحی شده‌اند. یک **پایگاه ملی داده‌های اصطلاح‌شناختی** (TDB) ممکن است حاوی داده‌های اصطلاح‌شناختی تک‌زبانه یا چندزبانه باشد و در سطح کشور، جامعه زبانی یا سطوح محلی دیگر، بسته به نیاز هر سطح تأسیس گردد. در برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی و مخصوصاً در چارچوب یک سیاست ملی اصطلاح‌شناسی، پایگاه ملی داده‌های اصطلاح‌شناختی اغلب به عنوان یکی از ابزارهای اصلی اجرای آن سیاست مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایجاد پایگاه‌های

مرکزی داده‌های اصطلاح‌شناختی راهبرد مؤثری برای شرکت‌ها و دیگر سازمان‌ها یا مؤسسات است؛ هرچند که بتدریج شبکه‌های پایگاه‌های توزیع‌شده و در عین حال متحد از داده‌های اصطلاح‌شناختی جایگزین پایگاه‌های بزرگ می‌گردند.

فعالیت‌های اصطلاح‌شناختی ممکن است محصولات اصطلاح‌شناختی متنوعی مانند استانداردهای اصطلاح‌شناسی، لغتنامه‌های تخصصی، واژه‌نامه‌ها، پایگاه‌های داده‌های اصطلاح‌شناسی، و ... داشته باشند. محصولات و **خدمات اصطلاح‌شناختی** مثل مشاوره اصطلاح‌شناختی و خدمات آموزشی، اطلاع‌رسانی و مستندسازی اصطلاح‌شناختی، برون‌سپاری^۱ امور اصطلاح‌شناختی، خدمات اطلاعاتی، و ... معمولاً به عنوان ابزارهایی برای اجرای یک سیاست ملی اصطلاح‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در جوامع زبانی که فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی بسیار پیشرفته‌ای دارند، محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی در بازار **اصطلاح‌شناسی** عرضه می‌گردند، این بازار از کاربران و تهیه‌کنندگان محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی تشکیل می‌شود. **سیاست ملی اصطلاح‌شناسی** یک راهبرد عمومی است که هم‌تراز با تصمیم‌سازی‌های سیاسی یک کشور یا جامعه زبانی کم و بیش خودمختار (در درون یک کشور، یا در منطقه‌ای که ممکن است با دو یا چند کشور، هم‌مرز باشد تدوین می‌شود. هدف این سیاست، توسعه یا تنظیم اصطلاحات موجود و نوظهور، با مقاصد مختلف می‌باشد. تجربه نشان می‌دهد که گروه‌های مختلف کاربران، نیاز به داده‌های اصطلاح‌شناختی دارند که از نظر پیچیدگی و جزئیات، در درجات مختلف و متناسب با اهداف متفاوتی هستند. از این‌رو، از همه اقتصادی‌تر این است که از ابتدا داده‌های اصطلاح‌شناختی چندمنظوره

^۱ . outsourcing

برای کاربران و کاربردهای مختلف تهیه گردد. همچنین، عاقلانه‌تر آن است که اصولاً سیاست ملی اصطلاح‌شناسی، از همان ابتدا چندزبانه و غیرانحصاری باشد. این موارد در رابطه با سیاست‌ها یا راهبردهای اصطلاح‌شناسی در بخش خصوصی (مانند مؤسسات، سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های حرفه‌ای و ... نیز صادق است.

۳. برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی

در این فصل برنامه‌ریزی زبان^۱ و برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی^۲ که امروزه عملاً فعالیت‌هایی مکمل تلقی می‌گردند، با هم مقایسه می‌شوند. هر دو فعالیت متأثر از معیارهای بسیاری هستند، که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بافت سیاسی و خاستگاه تاریخی کاربرد زبان، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، ابعاد جغرافیایی-زبانی، و عوامل جمعیت‌شناختی، فرهنگی، و روانشناختی. همه این عوامل، در هنگام تحلیل طرف‌های اجتماعی ذینفع (و از جمله مؤسسات) و روابط آن‌ها با یکدیگر، مؤثرند.

۳-۱. برنامه‌ریزی زبان

چون تمرکز این رهنمودها بر برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی است، اشاره‌وار به معرفی نظریه برنامه‌ریزی زبان (LP) می‌پردازیم. در اینجا تأکید ویژه بر نشان دادن جایگاه اصطلاح‌شناسی در چارچوب زبان و ارتباطات است. در چندین اثر از انتشارات یونسکو، مباحث گسترده‌تری درباره برنامه‌ریزی زبان مطرح شده است.

۳-۱-۱. مروری بر نظریه برنامه‌ریزی زبان

مهم‌ترین سؤال در این حوزه، تبیین ضرورت- یا حتی امکان- برنامه‌ریزی

^۱ . language planning

^۲ . terminology planning

زبان است. «گادلی»^۱ (۱۹۹۹) برنامه‌ریزی زبان را این گونه توجیه و تبیین می‌کند:

«جامعه در حال توسعه است و زبان باید با واقعیت مطابقت داشته باشد. تصمیمات سیاسی اتخاذ می‌شوند و این شاید به معنای ایجاد جوامع جدیدی باشد که شاید فاقد ابزار مشترک ارتباط هستند. در چنین مواردی، برنامه‌ریزی زبان، مطلوب و در واقع، ضروری است.»

تاریخ علم شواهدی از نمونه‌های فراوان مداخلات کمابیش موفق در توسعه طبیعی زبان به دست می‌دهد. تا جایی که این مداخلات به زبان طبیعی و موجود مربوط می‌شوند، آن را «برنامه‌ریزی زبان» می‌نامیم. آنچه امروز به عنوان برنامه‌ریزی زبان می‌شناسیم، در گذشته به آن سیاست زبان^۲، مهندسی زبان^۳، تنظیم زبان^۴ یا توسعه زبان^۵ می‌گفته‌اند. «کوپر»^۶ (۱۹۸۹) پس از مقایسه ۱۲ تعریف مختلف از برنامه‌ریزی زبان، تعریف زیر را به دست می‌دهد: «برنامه‌ریزی زبان به تلاش‌های آگاهانه برای اثرگذاری بر رفتار دیگران از نظر آموختن زبان، ساختار زبان، یا تخصیص کارکردی قواعد زبانی اطلاق می‌شود.»

خود «کوپر» متذکر می‌شود که مخصوصاً چنین تعریف بسیار کلی را برگزیده تا از هر گونه محدودیتی از نظر فعالیت‌های دولتی یا هر نوع روش خاص، پرهیز شود.

^۱ . Gadelii

^۲ . glottopolitics

^۳ . language engineering

^۴ . language regulation

^۵ . language development

^۶ . Cooper

امروزه برنامه‌ریزی زبان بسیار وسیع‌تر از وضع لغات و اصطلاحات و تمهید اصلاحاتی در شیوه‌های املا است. برنامه‌ریزی زبان مستلزم رویکردی بوم‌شناختی به زبان به عنوان عنصر اساسی در جوامع بشری است و شامل عوامل اجتماعی-زبانی متعددی است. برنامه‌ریزی زبان، ترکیبی از روش‌ها و رویکردهایی را شامل می‌شود، که از جمله عبارت‌اند از اصطلاح‌شناسی و واژه‌نگاری، مدیریت اصطلاحات، ترجمه و مدیریت ترجمه، و رویکردهای رو به گسترش پیکره-بنیاد^۱ (مثل استخراج اصطلاح، تحلیل پیکره برای شناخت نوواژه‌های وضع شده در جوامع گفتمانی، و ...). در اینجا نیز استفاده از فناوری‌های زبان انسانی (HTL) رو به فزونی است.

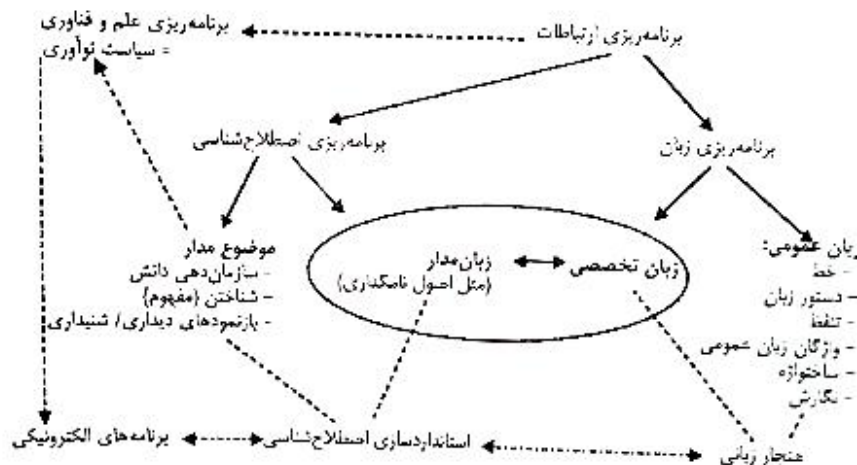
اصطلاح «برنامه‌ریزی ارتباطات» اصطلاحی کلی است که برنامه‌ریزی زبان و همهٔ دیگر فعالیت‌های برنامه‌ریزی مرتبط با ارتباط بین انسانی را شامل می‌شود، چه این فعالیت- به معنای دقیق کلمه- زبانی باشد، یا این که در معنای عام‌تر، سازمانی، فنی و زیرساختاری باشد. شکل ۱ برنامه‌ریزی ارتباطات را به عنوان اصطلاحی فراپایه^۲ که دربرگیرندهٔ برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی است نشان می‌دهد.

شکل ۱ نمایانگر روابط کلی بین این مفاهیم نیز می‌باشد. فهرستی که در زیر «زبان عمومی» آمده است، نشان‌دهندهٔ عناصری است که بخشی از تعریف کلاسیک «برنامه‌ریزی پیکره» را تشکیل می‌دهند. برنامه‌ریزی پیکره شامل فعالیت‌هایی است مثل طراحی یا اصلاح خط (و از جمله استاندارد کردن املا)، انتخاب نگارش، تعیین تلفظ واژه‌ها، بسط اصطلاحات و واژگان، تغییرات در نظام دستوری، همترازسازی گویش‌ها، انتشار کتاب‌های خواندن و راهنما برای

^۱ . corpus-based

^۲ . super-ordinate

ترویج سواد، تدوین لغتنامه‌ها، دستور زبان‌ها، و واژه‌نامه‌های ساده برای زبان‌های تخصصی، خلق ادبیات هنری و حمایت از هنرهای خلاق، و نیز ایجاد مؤسسه‌ای برای پرداختن به مسائل زبانی. اما باید توجه داشت که برنامه‌ریزی زبان شامل برنامه‌ریزی جایگاه [زبان] هم می‌شود، که این به معنای تخصیص زبان به قلمروهای مختلف اجتماعی (پیشه، آموزش، دادگاه‌ها، امور اجرایی، رسانه‌ها، و ...) است.



شکل ۱. مروری بر برخی از مفاهیم برنامه‌ریزی ارتباطات

۳-۱-۲. نیاز به برنامه‌ریزی زبان

نیاز به برنامه‌ریزی زبان و یک سیاست برنامه‌ریزی زبان ممکن است از شرایط متفاوتی سرچشمه گرفته باشد:

- چندزبانگی: فقط چند کشور مانند ایسلند می‌توانند ادعا کنند که کاملاً تک‌زبان‌اند؛ یعنی چندزبانگی در اکثر کشورهای جهان، وضعیتی رایج

است. حتی کشورهایی که رسماً تک‌زبان‌اند برای رعایت تمام‌عیار حقوق بشر، باید اقلیت‌های زبانی درون مرزهای ملی خود را به رسمیت بشناسند. بسیاری از کشورها که تصمیم می‌گیرند یک یا چند زبان را به عنوان زبان رسمی ارتباطی خود اعلام کنند، مشغول برنامه‌ریزی نظام‌مند زبان هستند. اما زبان‌های رسمی به طور معمول در قوانین اساسی صریحاً ذکر نمی‌شوند. علاوه بر زبان‌های رسمی، ممکن است از دیگر زبان‌ها نیز در آموزش یا دیگر بخش‌ها بسته به نیازهای محلی، استفاده شود.

- آموزش: با این که یونسکو از دهه ۱۹۵۰ بر مزایای آموزش ابتدایی به زبان مادری تأکید کرده، هنوز میلیون‌ها کودک در سرتاسر جهان از این امر محروم‌اند، زیرا تحصیلات ابتدایی آن‌ها به یک زبان خارجی است. عدم به‌کارگیری زبان مادری به عنوان رسانه آموزشی باعث بالا رفتن میزان ترک تحصیل و بی‌سوادی می‌شود.

- فناوری‌های ارتباطات: همان‌طور که گفته شد، پر کردن شکاف دیجیتالی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه امروزه بیش از پیش ضروری می‌نماید. برنامه‌ریزی زبان شامل تصمیم‌گیری درباره زبان‌ها و توسعه آن‌ها، مثلاً با استفاده از فناوری‌های زبان انسانی (HTL)، برای استفاده در رسانه‌های الکترونیکی است.

علاوه بر این عوامل، زبان (بویژه در یک جامعه چندزبانه) به‌مثابه منابع طبیعی است و بنابراین در رفاه اقتصادی یک کشور و افزایش ثروت مردم آن بسیار مؤثر خواهد بود. به این ترتیب، باید با زبان به‌مثابه عنصر محوری برنامه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک کشور رفتار کرد. زبان نیز مانند دیگر منابع - در صورتی که درست از آن استفاده شود - یک نیروی اشتغال‌زا خواهد بود.

۳-۱-۳. اهداف برنامه‌ریزی زبان

- برخی از مهم‌ترین اهداف عملی و آرمانی برنامه‌ریزی زبان عبارت‌اند از:
- بررسی میزان بالای ترک تحصیل و افت تحصیلی کودکان مدرسه‌ای در محیط‌های چندزبانه و بهبود دسترسی به تحصیلات رسمی با تسهیل در اجرای آموزش زبان مادری و همچنین تحصیل به زبان مادری، بویژه در سطوح پیش‌دبستانی و دبستانی؛
 - ایجاد فضای یادگیری بهینه با حصول این اطمینان که علوم و ریاضیات را می‌توان به زبانی تدریس کرد که دانش‌آموز بفهمد؛
 - بهبود سطح کیفی مقامات رسمی، کارمندان، دانشمندان، پژوهشگران، معلمان و حتی کارگران ماهر، که به معنای سرمایه‌گذاری در قدرت اقتصادی کشور می‌باشد؛
 - تقویت تنوع فرهنگی و فردیت در کشور از طریق تقویت هنرها به زبان‌های مختلف؛
 - پیشگیری از نارضایتی‌های قومی و سیاسی در مردم از طریق ایجاد محیطی مبتنی بر اصل تساوی زبانی؛ یعنی برخورد برابر با همهٔ زبان‌ها در سطح کشور، مخصوصاً در بخش‌های رسمی جامعه مانند قانونگذاری، قضایی، اجرایی، و آموزش، با توجه به این نکته که مراحل توسعهٔ زبان‌هاست همزیست^۱ متفاوت است؛
 - تضمین مردم‌سالاری با توانمندسازی مردم در راه آگاه‌شدن و اتخاذ مستقلانهٔ تصمیمات سیاسی؛
 - برطرف کردن شکاف دیجیتالی از طریق ایجاد زبان‌های مناسب برای

^۱ . co-existing

- استفاده در رسانه‌های الکترونیکی و در نتیجه پشتیبانی از توسعه فناوری‌های زبان انسانی، ترجمه ماشینی، و ...؛
- ارائه واژگان‌ها، دسته‌ها، آثار هنری ناب، کتاب‌های آموزشی، روزنامه‌ها، و ... به افراد جامعه زبانی به زبان اول آن‌ها.

۳-۲. برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی

برخلاف برنامه‌ریزی زبان (که ممکن است در مرحله‌ای از توسعه زبان آغاز شود که هیچ زبان نوشتاری وجود ندارد و هنوز عملاً هیچ هنجار زبانی موجود نیست)، برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی به وجود هنجارهای زبانی و ثبات نسبی دستوری و خطی در زبان نوشتاری متکی است. بر این اساس، برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی به صورتی آگاهانه و نظام‌مند، به ایجاد زبان تخصصی می‌پردازد و این کار مطابق با نیازها و الزامات ارتباطات قلمرویی (یعنی در جایی که هر روزه در صدها زبان در سرتاسر جهان، تعداد معتنابهی واژه‌های فنی جدید خلق می‌شود) انجام می‌گیرد. این واژه‌های فنی همان اصطلاحات هستند که مجموعه‌ای از اصطلاحات با معنای خاص (مفهوم) را تشکیل می‌دهند که در قلمروهای خاص زبان‌های تخصصی به کار می‌روند. از طرفی، توسعه اصطلاحات، پدیده‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است و از طرف دیگر می‌تواند اقدامی هدفمند در راه توسعه زبان و در عین حال، ابزاری برای تحقق سیاست‌های تغییر شکل اجتماعی-اقتصادی تلقی شود.

برای درک موضوع اصطلاح‌شناسی، به تعریف لغتنامه‌ای واژه Chlorofluorocarbons (CFC) که در کتاب جدیدی در موضوع برنامه‌ریزی زبان (Antia:2000) آمده است، توجه کنید:

¹ . manual

«CFC»ها ترکیبات سینتتیک غیرقابل اشتعال، غیر سمی و غیرواکنشی هستند که از دهه ۱۹۳۰ به عنوان مایعات عمل‌کننده در یخچال‌ها و به عنوان مواد پایه در اسپری‌های خوشبوکننده به کار رفته‌اند. امروزه مشخص شده است که این مواد برای لایه ازن گرداگرد زمین، مضر هستند؛ علاوه بر این، از عوامل عمده ایجاد اثر گلخانه‌ای‌اند [...] مولکول‌های CFC که در محیط آزاد شده‌اند با اشعه فرابنفش خورشید در جو فرازین شکسته می‌شوند و تولید کلراین می‌کنند که با ازن واکنش می‌کند.»

فرض کنید که نقل قول بالا ترکیبی است که از دو گونه متنی استخراج شده: اولی فقط از **عناصر متنی زبان عمومی (واژه‌ها)** ساخته شده که با **رنگ سیاه** نوشته شده‌اند (همان‌طور که در مثال بالا مشاهده می‌شود)، و گونه دوم فقط از عناصر متنی زبان تخصصی (اصطلاح‌ها) که با رنگ خاکستری نمایش داده شده‌اند. اگر فقط به مجموعه لغات سیاه نگاه کنیم، مفهومی از آن دریافت نخواهیم کرد؛ در حالی که عناصر متنی خاکستری (به سبب روابط معنایی ملازم با نوعی دستور زبان انگلیسی شمی و حدسی) برای اکثر افرادی که به شیمی محیط زیست علاقه داشته باشند، مفهوم دارد. توجیه این پدیده در کارکرد اصطلاحات نهفته است: آن‌ها جوهره دانش قلمرو را رمزگذاری^۱ می‌کنند. عناصر زبان عمومی در نقل قول بالا تنها به منزله ملات دستوری و نحوی هستند که به این آجرهای ساختمانی، انسجام و ارتباط کل‌گرا می‌بخشند.

اصطلاحات (و مفاهیمی که این اصطلاحات بر آن‌ها دلالت دارند) علاوه بر این که در فرایند ادراک، نقش محوری دارند، به دلایل خاصی (که در نقل قول بالا ذکر آن‌ها رفت) اجتناب‌پذیرند؛ مثلاً:

^۱ . encode

- ترجمه: معادل کلروفلوئوروکربن در زبان شما چیست؟
 - بازیابی اطلاعات: چگونه می‌توان با استفاده از یک موتور جستجو در اینترنت، مواد اطلاعاتی خاصی را، مثلاً متون مشابه با واژه مذکور را جستجو کرد؟
 - مستندسازی: چگونه می‌توان اسناد را طوری در یک اداره بایگانی [و تنظیم] کرد که حتی پس از سال‌ها نیز بتوان آن‌ها را پیدا کرد و مورد استفاده مجدد قرار داد؟
 - ارتباط: چگونه می‌توان در مقام یک دانشجو، معلم، متخصص محیط زیست، و ...، اطلاعات و دانش مذکور در بالا را از یک قانونگذار یا شهروند، دریافت نمود یا به او منتقل کرد؟
 - آموزش: چگونه می‌توان موضوعات بسیار تخصصی را به دانش‌آموزان، دانشجویان، کارآموزان، متخصصان، ... آموخت؟
- به این ترتیب، برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی ممکن است کاربردهای متفاوتی داشته باشد و در بافت‌های مختلفی به کار رود؛ بافت‌هایی که جهتگیری‌های دیگری از فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی در آن‌ها صورت می‌گیرد یا ضروری است. در نتیجه، نمی‌توان بر ضرورت یک رویکرد نظام‌مند و بر هماهنگی در این امر، بیش از اندازه پای فشرد.

۳-۲-۱. روش‌های اصطلاح‌سازی در برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی

اصطلاحات ممکن است از واژه‌های ساده یا از عبارات پیچیده (یعنی اصطلاحات چندواژه‌ای) ساخته شده باشند که دارای مشخصه‌های صرفی- نحوی و صرفی- معنایی خاصی هستند که بعضاً در زبان عمومی ناشناخته‌اند،

اما به قلمروهای معینی تعلق دارند. به‌علاوه، باید بین انواع مختلف نام‌گذاری - و نه فقط خود اصطلاحات (و البته نه فقط عناصر [سازنده] اصطلاحات) - تمایز قائل شد. به علاوه، تشخیص واژه از اصطلاح، اصطلاح از غیر اصطلاح، یا نام از اصطلاح، همواره دشوار است. اصطلاح‌سازی بر نقش کارکردی نام‌گذاری‌ها در ارتباطات قلمرویی مبتنی است. در تحلیل پیکره، فرایندهای استخراج و تشخیص اصطلاح، فرایندهایی دشوارند. به رغم پژوهش‌های گسترده‌ای که در این حوزه انجام شده، تاکنون یک مدل نظری معتبر و الگوریتم‌های مرتبط با آن طراحی نشده‌اند. با این حال روش‌ها و ابزارهایی در فناوری‌های زبان انسانی وجود دارند که در تشخیص و استخراج اصطلاح از پیکره‌ها نتایج رضایت‌بخشی به بار می‌آورند؛ این‌ها رویکردهایی هستند که باید در زمان مناسب (و با آگاهی از محدودیت‌های ذاتی آن‌ها) مورد استفاده قرار گیرند. تعامل بین زبان‌های قلمرویی و زبان عمومی بسیار پویا است. همواره بده‌بستان مواد واژگانی در هر دو جهت وجود دارد:

- اصطلاحیت‌زدایی: اصطلاح تخصصی به واژه کاملاً رایج زبان عمومی تبدیل می‌شود؛
- اصطلاح‌شدگی: واژه معمولی به اصطلاح (یا بخشی از آن) تبدیل می‌شود؛
- اصول جاری اصطلاح‌سازی: اصول نشانه‌شناختی زیر اساساً در مورد «همه» زبان‌ها صادق‌اند. این اصول بر ماهیت نظام‌مند اصطلاحات و شبکه‌های مفهومی زیربنایی آن‌ها مبتنی هستند. این شبکه‌ها شامل ابعاد شناختی، جنبه‌هایی از بازنمایی دانش، و ... می‌باشند:
 - شفافیت (در مقابل ابهام)؛
 - انسجام؛
 - تناسب؛

- ایجاز (اقتصاد زبانی)؛
- اشتقاق‌پذیری؛
- صحت زبانی؛
- ترجیح زبان بومی (مگر در قلمروها یا زبان‌هایی که سنت‌های دیگری، مانند استفاده از صورت‌های لاتین یا یونانی در برخی رشته‌های علمی، موجودند).
- روش‌های اصطلاح‌سازی:
 - به وجود آوردن صورت‌های جدید:
 - اشتقاق؛
 - ترکیب؛
 - صورت‌های اختصاری؛
 - استفاده از صورت‌های موجود:
 - قلب (تغییر مقولۀ دستوری، که گاهی به آن مقوله‌گردانی^۱ گفته می‌شود)؛
 - اصطلاح‌شدگی (تخصیص معنای جدید - معمولاً معنای استعاری یا تشبیهی - به اصطلاحات موجود در حوزه‌های کمابیش مرتبط یا به واژه‌های زبان عمومی)؛
 - «انتقال معنایی» درون یک زبان تخصصی؛
 - وام‌گیری بین‌رشته‌ای (استعارات)؛
 - وام‌گیری بین زبانی:
 - وام‌گیری مستقیم؛
 - ترجمۀ قرضی.

^۱ . recategorization

امکان کاربرد این روش‌ها را باید برای هر زبانی به طور جداگانه ارزیابی کرد. می‌توان از اصول نشانه‌شناسی به عنوان راهنما در استفاده از چگونگی کاربرد روش‌های اصطلاح‌سازی بهره جست. برخی از اصول در تضاد با یکدیگرند، به طوری که در برخی موارد باعث سردرگمی جدی می‌شوند (مثلاً اصل شفافیت ممکن است در تقابل با اصل دقت قرار گیرد). جزئیات بیش‌تر در این باره را می‌توان در «ایزو ۷۰۴» و دیگر استانداردهای بین‌المللی مرتبط یافت (نگاه کنید به منابع).

از جمله مشکلات دیگری که بر سر راه اصطلاح‌سازی وجود دارند می‌توان به این موارد اشاره کرد: تفاوت‌هایی که در مدل‌های زبانشناختی عمومی، در ریخت‌شناسی زبان وجود دارند. تنوع و عدم انسجام قواعد در قلمروهای مختلف (مخصوصاً در آن دسته از علوم طبیعی که نامگان‌های خاص دارند)، نبود توصیف کامل جزئیات در برخی زبان‌ها، و ضرورت مدون‌سازی کامل این زبان‌ها (مثلاً از طریق برنامه‌ریزی زبان) بویژه در حوزه خط، املا، تلفظ، و دستور زبان در جهت تمهید قواعد معتبر برای توسعه اصطلاحات. برای برنامه‌های فناوری‌های زبان انسانی، باید مدل‌های خودکار برای خلق اصطلاح به زبان‌های مورد پردازش، تهیه گردد.

۳-۲-۲. اصطلاح‌شناسی توصیفی و تجویزی

اصطلاحات جدید، یا برای پر کردن خلأهایی که با ورود مفاهیم جدید ایجاد شده‌اند، یا برای جایگزینی یک اصطلاح ناکارآمد، مرتباً وارد زبان می‌شوند. دو رویکرد نسبت به این نوع تحول اصطلاح‌شناختی وجود دارد: کار اصطلاح‌شناسی توصیفی و تجویزی. اصطلاح‌شناسی توصیفی فقط به مشاهده و تحلیل پیدایش اصطلاحات می‌پردازد، در حالی که کار اصطلاح‌شناسی تجویزی مستلزم توافق کاربران برای قبول یک اصطلاح و کاربرد مکرر و

همگانی آن در شرایط خاص است. اصطلاح‌شناسی تجویزی شامل یک‌دست‌سازی، استانداردسازی و هماهنگ‌سازی اصطلاحات است. دلایل تجاری یا ملاحظات امنیتی و حفاظتی ممکن است از جمله دلایل استاندارد کردن اصطلاحات باشند.

استاندارد کردن اصطلاحات همواره مستلزم انتخاب از میان اصطلاحات رقیب است. عوامل چندی هستند که این انتخاب را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ مانند عوامل ایجازی (ممکن است اصطلاحی به سبب پیچیدگی کمتر نسبت به بقیه، انتخاب شود)، دقت (ممکن است اصطلاحی نسبت به دیگر اصطلاحات، شفاف‌تر یا روشن‌تر باشد)، تناسب (یک اصطلاح ممکن است معانی ضمنی ناخوشایند یا سیاسی داشته باشد).

استاندارد کردن اصطلاحات دو جنبه متمایز را که منعکس‌کننده دو زیرساخت مختلف است دربرمی‌گیرد. استاندارد کردن اصول و روش‌های اصطلاح‌شناسی در چارچوب زیرساخت‌های افقی صورت می‌گیرد، چرا که در جهت عمودی عملاً همه قلمروها را شامل می‌شود. اما استاندارد کردن اصطلاحات در قلمروهای مختلف (یعنی کار اصطلاح‌شناسی که امروزه بیش‌تر در کمیته‌های تخصصی انجام می‌شود) نشان‌دهنده زیرساخت‌های عمودی می‌باشد. پر واضح است که استاندارد کردن اصطلاحات باید مبتنی بر اصول و روش‌های استاندارد شده‌ای باشد که خود باید مبتنی بر نظریه‌های علمی می‌باشند. در سطح بین‌المللی، کمیته فنی «ایزو/تی‌سی ۳۷» با نام «اصطلاح‌شناسی و زبان و منابع محتوایی» مسئول استاندارد کردن اصول و روش‌های کار اصطلاح‌شناسی است.

۳-۲-۳. مدیریت اصطلاح‌شناسی

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، علم اصطلاح‌شناسی کاملاً میان‌رشته‌ای است. به

همین دلیل کار اصطلاح‌شناسی مستلزم همکاری کارشناسان قلمروهای مختلف است. به سبب حجم عظیم داده‌های اصطلاح‌شناختی، باید تا حد امکان تعداد افرادی که با هم همکاری می‌کنند و نتایج کار و منابع خود را در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند بیشتر باشد:

- اصطلاح‌نگاری در مقابل واژگان‌نگاری: طبق تعاریف کلاسیک، «اصطلاح‌نگاری» مفهوم بنیاد^۱، اما «واژگان‌نگاری» کلمه بنیاد^۲ است. در واقعیت هیچ تمایز روشنی بین این دو وجود ندارد؛ روش‌های ترکیبی [فراوان] منجر به بروز تمایزاتی جزئی در روند کار می‌شوند و مهم‌تر این که موجد ناهنجاری‌هایی در ساختارهای داده‌ای می‌گردند. به نظر می‌رسد که بین روش‌ها از نظر جهتگیری واژه/ معنا در برابر جهتگیری اصطلاح/ مفهوم می‌توان همگرایی را مشاهده کرد، و تلاش می‌شود که عملیات‌پذیری متقابل بین نظام‌های ناهمگن نیز میسر گردد.
 - حالت توصیفی کار در مقابل حالت تجویزی: به طور کلی، مراحل اولیه مدیریت اصطلاح‌شناسی شامل ثبت تنوعات درون و برون مرزهای فرهنگی، زبانی، رشته‌ای، حرفه‌ای و گروهی است؛ در طول مرحله دوم، معمولاً لازم است که با استاندارد کردن اصطلاحات، یا با هماهنگ کردن اصطلاح‌شناسی در موارد مربوط به تقطیع واژگانی در همان سطح از کاربرد اجتماعی، این پیچیدگی را بنا به مقاصد خاصی، کاهش داد.
- اصطلاح‌نگاری فرایند ثبت اطلاعات اصطلاح‌شناختی است. این کار در سطوح تک‌زبانه، دوزبانه و چندزبانه انجام می‌شود. طراحی لغتنامه‌ها، واژه‌نامه‌ها و دیگر محصولات اصطلاح‌شناختی فنی برای مخاطبان مختلف (مثلاً در

^۱ . concept-based

^۲ . word-based

- آموزش، برای رسانه‌های عمومی، و ... بر مبنای اصولی هدفمند و کاربردی صورت می‌گیرد. مهم‌ترین ملاحظات «معنایی» در اصطلاح‌نگاری عبارت‌اند از:
- مفاهیم و ساختارهای مفهومی: مفاهیم، ساختارهای ذهنی^۱ (واحدهای شناختی)^۲ هستند. در دانش قلمرویی، ساختارهای مفهومی مبنای هر مجموعه‌ای از اصطلاحات‌اند. از دیدگاه زبان‌شناسی، معنای یک اصطلاح، مفهومی است که این اصطلاح برای نامیدن آن به کار می‌رود. در همه فعالیت‌های حرفه‌ای و در همه شکل‌های ارتباطات حرفه‌ای، مفاهیم شکل می‌گیرند و دائماً تغییر می‌کنند. رسوم فرهنگی نیز موجب شکل‌گیری مفاهیم می‌شوند، و زبان اصلی‌ترین جلوه فرهنگ است. تعامل پویا و پیچیده بین شکل‌گیری اصطلاح و شکل‌گیری مفهوم را باید در همه مراحل [رشد و] توسعه اصطلاحات و اصطلاح‌نگاری، مدنظر داشت.
 - تعاریف، بافت‌ها، مثال‌ها: گرچه در کار اصطلاح‌شناسی نظام‌مند، میان انواع مختلف تعریف- مفهومی^۳، مصداقی^۴، جزءمدار^۵، نقشی^۶، عملیاتی^۷، و ... تمایز قائل می‌شویم، نظام مفاهیم در تعاریف به هم مرتبط بازتاب می‌یابد. نظام‌های مفهومی چندبعدی، نیاز به تعاریفی دارند که این وجوه مختلف یا معیارهای متمایز را نشان دهند. بنابراین اصول نگارش و/ یا ارزیابی/ تجدید نظر در تعاریف باید مدون شوند.^۸
 - بافت (شامل بافت‌های تعریفی و توضیحی): بافت‌ها در محیط مدیریت

^۱ . mental constructs

^۲ . cognitive units

^۳ . intensional

^۴ . extensional

^۵ . partitive

^۶ . functional

^۷ . operational

^۸ . ISO 704, Wright/Budin 1997: "Dos and Don'ts of definition writing"

اصطلاحات، نشان‌دهنده کارکرد یک اصطلاح در گفتمان هستند؛ یعنی قطعاتی از متن می‌باشند. ثبت کارکردهای مختلف بافت‌ها بسیار مفید است، و هنگامی که وقتی برای نگارش تعریف مشروح وجود ندارد، ثبت کردن بافت می‌تواند این نقیصه را جبران کند، بویژه زمانی که برای تشکیل پیکرگانی بزرگ در زمان کوتاه، از تحلیل پیکره استفاده می‌شود. بافت مؤید تعاریف است و در برخی موارد هم ممکن است تنها اطلاعات موجود (در نبود تعاریف) باشد. بافت‌ها حتی در حضور تعاریف هم ارزشمندند، زیرا نشانگر صحت یک تعریف برای یک مصداق بخصوص می‌باشند. به هر روی، بافت را می‌توان منبعی موثق برای تحلیل کاربرد اصطلاحات و هم‌آیندهای آن‌ها تلقی کرد.

کار اصطلاح‌شناسی تطبیقی و کار اصطلاح‌شناسی گروهی مشتمل بر دو رویکرد عمده به مدیریت اصطلاح‌شناسی است:

- کار اصطلاح‌شناسی تطبیقی مستلزم بررسی اصطلاحات و مفاهیم مورد استفاده در زبان‌های مختلف به منظور رسیدن به اصطلاحات به اصطلاح «معادل» می‌باشد؛ این معادل‌ها متعاقباً در یک منبع یا استاندارد اصطلاح‌شناسی معرفی می‌شوند. این فرایند معمولاً نشان‌دهنده انقطاع‌هایی در ساختارهای مفهومی و کاربرد اصطلاحات در میان جوامع زبانی است. در بررسی موضوع مسئله‌برانگیز «معادل» در یک بافت کاربردی (و نه در بافت فلسفی) رویکرد کارکردی مفید خواهد بود. مفهوم معادل متنی و ارتباطی را باید در تقابل با مفهوم معادل واژگانی یا اصطلاح‌شناختی مورد بررسی قرار داد. برای تحلیل اصطلاح‌شناسی تطبیقی در این مرحله، ثبت کردن این پژوهش‌ها و بحث‌های گروه‌های تخصصی در همه زبان‌های مورد نظر لازم است تا به این ترتیب، یک

مبنای دانشی منحصر به فرد و یک سامانه پشتیبان تصمیم‌گیری فراهم آید.

- در کار اصطلاح‌شناسی گروهی، بهترین نتایج (به‌خصوص در مورد توسعه زبان و استاندارد کردن اصطلاحات) هنگامی به دست می‌آید که زبانشناسان، اصطلاح‌شناسان و متخصصان قلمروهای مختلف در قالب کمیته‌هایی در کنار هم کار کنند. این کارشناسان متفاوت، نوعاً دارای دانش و تجربه متفاوتی هستند که در این وظیفه سنگین، به کار می‌آید:
 - دانش قلمرویی (دانش مفهومی)؛
 - دانش زبانی (دانش زبان عمومی و زبان تخصصی)؛
 - دانش اصطلاح‌شناختی (دانش روش‌های کار، که خلأ بین دو نوع دانش مذکور در بالا را پر می‌کند).

۴. تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی

روش‌شناسی ارائه شده در این رهنمودها بر ضرورت طراحی، تدوین، پیاده‌سازی، عملیات، ترویج و نگهداری نظام‌مند یک سیاست اصطلاح‌شناسی، با اهداف و چشم‌اندازهای روشن، و عرصه‌ها و مقاصد کارکردی [معین] تأکید می‌کند. در همین رابطه، باید استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی [متناسب] را که پشتیبان چنین سیاستی باشند، و نیز این نکته را که شبکه‌های اطلاعاتی در صورتی که با یک سیاست اصطلاح‌شناسی پشتیبانی شوند کارآمدتر خواهند بود، مورد توجه قرار داد. ایجاد زیرساخت‌های سازمانی و فنی مرتبط با سیاست اصطلاح‌شناسی در وهله اول ابزاری است برای تحقق اهداف و چشم‌اندازهای آن با توجه به عرصه‌ها و مقاصد کارکردی و ملموس خاص یا عام.

۴-۱. تدوین سیاست اصطلاح‌شناسی

در تلاش برای توسعه اصطلاح‌شناسی، توجه اصلی در تدوین سیاست اصطلاح‌شناسی معطوف به توسعه موارد زیر است:

- زبان عمومی مربوطه به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباطات قلمرویی به طور عام؛
- زبان‌های تخصصی هر حوزه موضوعی در یک زبان بخصوص، یا
- ترکیبی از این دو وجه.

البته این رویکرد به شدت تحت تأثیر آن موقعیت زبانی که قرار است در آن موقعیت، کاربرد یابد قرار می‌گیرد. در تدوین سیاست‌های اصطلاح‌شناسی بر

مبنای این رهنمودها، باید موقعیت‌های زبانی بسیار متعددی را در نظر گرفت. در یک جامعه زبانی واحد ممکن است برای برخی زبان‌های تخصصی، توسعه اصطلاحات، ضروری باشد، و برای برخی از مجموعه اصطلاحات موجود و- بنابراین- رقیب در دیگر زبان‌های تخصصی، به هماهنگی نیاز باشد. برخی جوامع زبانی در یک ناحیه مشخص جغرافیایی در درون یک کشور، منزوی شده‌اند. این جوامع ممکن است با جوامع زبانی دیگری همزیستی کنند، یا اینکه اقلیت‌های زبانی کم و بیش خودمختاری را تشکیل دهند. برخی دیگر از جوامع زبانی در گستره مرزهای ملی موجود دو یا چند کشور قرار دارند- و احتمالاً در مناطق مختلف، وضعیت متفاوتی دارند- یا در کشورهای متعدد پراکنده شده‌اند. در برخی موارد، زبان‌های اقلیت در یک یا چند کشور وجود دارند و منتج از توسعه زبان اکثریت رایج در همان کشور خاستگاه اولیه هستند. در چنین مواردی، جوامع زبانی اقلیت گاهی در کشور میزبان خود از جایگاهی خودمختار یا نیمه خودمختار برخوردارند و در نتیجه برای حصول تطابق و همزیستی مسالمت‌آمیز با جامعه یا جوامع زبانی اکثریت پیرامون خود، مشخصه‌های اصطلاح‌شناختی خاصی را کسب می‌کنند. در موارد دیگر، چنین اقلیت‌هایی تقریباً به‌طور کامل به توسعه زبان مربوط به کشور خاستگاهشان وابسته‌اند.

مخاطبان این رهنمودها، خوانندگانی با زمینه‌های زبانی مختلف هستند- خوانندگانی از کشورهای بزرگ که در پی بنانه‌اندن یک سیاست ملی اصطلاح‌شناسی هستند، خوانندگانی از کشورهای کوچک یا متوسط که یک یا چند جامعه زبانی دارند، و کوچک‌ترین جوامع زبانی و دیگر انواع جوامع زبانی که نیازمند یک سیاست اصطلاح‌شناسی هستند. نیازهای هر جامعه زبانی از نظر ایجاد نهادهای اجتماعی و ساختن ظرفیت‌های انسانی به عنوان بخشی از

طراحی، تدوین، و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی مطابق با فرهنگ و [بافت خاص هر] جامعه و دیگر شرایط مربوطه، با جوامع دیگر متفاوت است.

۴-۲. اجرای سیاست‌های اصطلاح‌شناسی

امروزه سیاست‌گزاران با چالشی هولناک مواجه‌اند و آن، یافتن راه‌ها و شیوه‌های جدید برای تهیه و به کارگیری منابع اطلاعاتی در برنامه‌های توسعه‌ای خود است. در نتیجه، سیاست اصطلاح‌شناسی معمولاً باید در جهت حمایت از دیگر سیاست‌های ملی، یا حتی نهفته در درون آن‌ها باشد؛ سیاست‌هایی همچون سیاست دانشی یا اطلاعاتی، سیاست آموزشی، سیاست ظرفیت‌سازی و نهادسازی و پرورش نیروی انسانی، سیاست فناوری و ابداع، و ...

یکی سیاست اصطلاح‌شناسی عملاً کل حیات حرفه‌ای، آموزش و پرورش، نظام [بهداشت و] سلامت، و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به این ترتیب، هر کس، چه پیر و چه جوان را که نیاز به درک یا فراگیری نوعی دانش تخصصی دارد دربرمی‌گیرد. معمولاً عقل حکم می‌کند که نهادهای متعهد به سیاست‌های برنامه‌ریزی زبان، در کار اصطلاح‌شناسی مشارکت فعال داشته باشند. نکته مهم آخر این که درگیر کردن کل جامعه زبانی در این فرایند نیز عاقلانه و خردمندانه است.

این رهنمودها عمدتاً از مدل اجرایی سیاست‌های ملی اطلاعات که در مجموعه انتشارات یونسکو (با کد PGI-90/WS/11) دارای مشخصات زیر مندرج است پیروی می‌کنند:

Montviloff, Victor. *National Information Policies*. A handbook on the formulation, approval, implementation and operation of a national policy on information. Paris: UNESCO, 1990.

با این حال، چون این رهنمودها معمولاً در سطوح منطقه‌ای و محلی برای یک یا چند جامعه زبانی کاربرد دارند، مدل مذکور تا حد امکان ساده شده است. در صورت کاربرد گسترده آن در سطح ملی و برای جوامع زبانی متعدد، اثر منتشره مذکور با کد PGI-90/WS/11 یونسکو باید همراه با این رهنمودها مورد توجه قرار گیرد.

۴-۳. ساخت ظرفیت انسانی

نهادسازی و ساخت ظرفیت از مباحث مهم در هر سیاست اصطلاح‌شناسی هستند. نیاز به زیرساخت‌های اصطلاح‌شناسی یکی از والدین مسائلی است که در برنامه‌های برنامه‌ریزی و طراحی اصطلاحات با آن مواجه می‌شویم. در این مرحله نیاز مبرم به اصطلاح‌شناسان و بویژه به کارشناسان سیاست اصطلاح‌شناسی احساس می‌شود تا از برخی مشکلات در اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی اجتناب شود. بر همین قیاس، یک برنامه اقدام نظام‌مند برای ساخت ظرفیت انسانی نیز باید اتخاذ شود؛ برنامه‌ای که تربیت کارشناسان اصطلاح‌شناسی که مسئول اجرای تمامی وجوه سیاست تدوین شده اصطلاح‌شناسی، و پیگیری دیگر فعالیت‌های اصطلاح‌شناختی (که در این رابطه، ضروری و زیربنایی شمرده می‌شوند) را تسهیل می‌کند.

با افزایش اصطلاحات یک حوزه یا قلمرو علمی به سبب اختراعات جدید، از طریق اصطلاحات است که اطلاعات منتشر می‌گردد و دانش کسب می‌شود. متخصصان و گروه‌های موضوعی در سرتاسر جامعه زبانی باید از تدارک اصطلاحات علمی، فنی، آموزشی و اقتصادی مناسب حمایت کنند. در کشورها یا جوامع زبانی کوچک‌تر که دارای اصطلاح‌شناسی در حال رشد هستند، اولویت اول در مرحله اول اجرای یک سیاست اصطلاح‌شناسی باید تهیه

اصطلاحات اساسی باشد که مورد نیاز بیش‌تری است. این کار ممکن است با اصطلاحات مورد نیاز در نظام آموزشی ملازم باشد، اما [اصطلاحات مربوط به] حوزه بهداشت یا سلامت عمومی یا سیستم حمل و نقل عمومی، و ... را نیز دربرگیرد. بنابراین باید اولویت به قلمرو یا قلمروهایی داده شود که سیاست اصطلاح‌شناسی ابتدا باید در آن‌ها به کار بسته شود.

در فرایندهای اصطلاح‌سازی، معمولاً مترجمان حرفه‌ای اساسی بازی می‌کنند، چون غالباً در فرایند ترجمه، بر مبنای اصطلاحات جدید زبان منبع، در زبان مقصد اصطلاحات جدیدی می‌سازند. در همه موارد، فرایند اصطلاح‌سازی و اقتباس اصطلاحات مستلزم همکاری نزدیک بین اصطلاح‌شناسان، متخصصان موضوعی، زبانشناسان، مترجمان و مدرسان است. تلاش‌های هماهنگ [بین گروه‌های مختلف اصطلاح‌ساز،] مانع از رواج گزینش اصطلاحات متناقض می‌گردد. به کار بردن زبان‌های اقلیت، در حال توسعه، و به حاشیه رانده شده درون یک کشور می‌تواند ابزاری برای شناسایی و تلفیق فناوری‌های بومی با فناوری مدرن به دست دهد؛ به این ترتیب حمایت از توسعه زبان موجب حفظ میراث فرهنگی و تنوعات فرهنگی در کشور نیز می‌شود.

اگر برنامه‌ها شامل ایجاد مؤسسات اصطلاح‌شناسی باشد، ممکن است لازم باشد کارمندانی با تخصص در مدیریت پروژه‌های اصطلاح‌شناسی، کار اصطلاح‌شناسی، و اصطلاح‌نگاری تربیت گردند. از یک سو، همکاری نزدیک اصطلاح‌نگاران (که قادر به استخراج اصطلاحات، ثبت آنها مطابق با اصول و روال خاص اصطلاح‌نگاری و تدوین پیش‌نویس از فهرست‌های اصطلاحات می‌باشد) با متخصصان قلمرویی، شاید ضروری باشد. از سوی دیگر، اصطلاح‌شناسان درباره اصول و ضوابط ثانویه اصطلاح‌سازی، باید پژوهش

انجام دهند. پر واضح است که همه کارشناسان اصطلاح‌شناسی باید اطلاعات جامعی درباره خط، املا و اصول واژه‌سازی زبان (های) مورد نظر داشته باشند. در این رابطه نباید از ارزش مشارکت بخش خصوصی غافل شد. کارشناسان نیک می‌دانند که باید با متخصصان دیگر قلمروها و نیز افراد معمولی ارتباط برقرار کرد. اما پیش از هر چیز آنان باید با استفاده از اصطلاحات روشن و بدون ابهام، در درون قلمرو خود [و با متخصصان هم‌رشته خود] ارتباط برقرار کنند. این متخصصان قلمرو سپس اقدام به پروژه‌های اصطلاح‌شناسی و تدوین لغتنامه‌های فنی در حوزه‌های مختلف موضوعی را در دستور کار خود قرار می‌دهند. معمولاً این افراد، اصطلاح‌شناس یا اصطلاح‌نگار نیستند و در فرایند اصطلاح‌سازی، ثبت نظام‌مند اصطلاحات و در نهایت تدوین یک مجموعه داده‌های اصطلاح‌شناختی برای هر حوزه موضوعی، نیاز به کمک دارند.

۴-۴. نقش مؤسسات ملی اصطلاح‌شناسی

نقش مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات اصطلاح‌شناسی، مشاوره و پشتیبانی دولت در تدوین، توسعه، اجرا و نگهداری راهبردهای مرتبط با اصطلاح‌شناسی و توسعه اصطلاح‌شناسی است. در برخی موارد، یک مؤسسه اصطلاح‌شناسی واحد، این خدمات را به یک یا چند کشور ارائه می‌کند. گاهی نیز خدمات اصطلاح‌شناختی مختلف توسط مؤسسات مختلف، در سطوح ملی و منطقه‌ای و به عنوان بخشی از رسالت اصلی آن‌ها ارائه می‌شود. گاهی مؤسسات مرتبط با قلمروهای خاص نیز به ارائه خدمات اصطلاح‌شناسی می‌پردازند. مؤسسات اصطلاح‌شناسی در رابطه با سیاست اصطلاح‌شناسی و دیگر موضوعات مرتبط با اصطلاح‌شناسی و زبان‌های تخصصی (SPL) مشاوره می‌دهند. آن‌ها می‌توانند هنجارهایی برای مقاصد اصطلاح‌نگاری، برای ایجاد

تسهیلات و برای اجرای روندهای استاندارد شده به منظور جمع‌آوری، ثبت، نظام‌دهی، استاندارد کردن و اشاعه اطلاعات اصطلاح‌شناختی برای جوامع زبانی مختلف در کشور، وضع و این هنجارها را ارزشیابی نمایند. ضمناً، مؤسسات اصطلاح‌شناسی ممکن است سرویس اطلاع‌رسانی درباره کنوانسیون‌های مربوط به زبان تخصصی و نیز موضوعات اصطلاح‌نگاری ارائه کنند. به علاوه، آن‌ها می‌توانند در پروژه‌های مربوط به توسعه زبان تخصصی با یکدیگر هماهنگی کنند، از آن پشتیبانی به عمل آورند، در جهت تسهیل در اجرای آن‌ها اقدام نمایند، و تسهیلات و محصولات اصطلاح‌شناختی را در دسترس نظام‌های ارتباطی و اطلاعاتی مرتبط قرار دهند. این کار ممکن است از طریق ایجاد و مدیریت یک داده پایگاه اصطلاح‌شناسی صورت گیرد. در عصر شبکه کردن شبکه‌ها، داده پایگاه اصطلاح‌شناسی مذکور ممکن است شکل یک داده پایگاه اصطلاح‌شناسی مرکزی «مجازی» را به خود بگیرد، که در واقع از شبکه‌ای از پایگاه‌های داده‌ای توزیع شده تشکیل می‌شود.

هدف مؤسسات ملی اصطلاح‌شناسی توانمندسازی همه شهروندان در ساخت اصطلاحات برای تسهیل در امر ارتباط در سطوح مختلف و در عرصه‌های موضوعی قلمروهای کاری مختلف می‌باشد. از جمله دیگر اهداف می‌توان به تولید محصولات اصطلاح‌شناختی چندزبانه مناسب در قلمروهای مختلف، هماهنگ کردن تولید اصطلاحنامه‌های مذکور با مساعی اصطلاح‌شناختی [بخش‌های] دیگر، اقدام به مشارکت با طرف‌های ذینفع و دست‌اندرکاران اصطلاح‌شناسی، مدیریت یک پایگاه ملی اصطلاح‌شناسی، و احتمالاً اشاعه اطلاعات اصطلاح‌شناختی در میان کاربران، متقاضیان و همکاران با استفاده از فهرست‌های اصطلاحات، لغتنامه‌های فنی، و رسانه‌های الکترونیکی اشاره کرد. مؤسسات ملی اصطلاح‌شناسی علاوه بر تسهیل در ارتباطات علمی، اقتصادی

و فنی، می‌توانند با تقویت قابلیت‌های علمی، اقتصادی، فنی و نیز زبان عمومی خود، نقش مهمی در انتقال دانش، و در نتیجه در توانمندسازی شهروندان آن کشور در سطح کلان، ایفا کنند.

به سبب نیاز فزاینده به اصطلاحات در این روزگار، ممکن است لازم باشد که یک مؤسسه ملی اصطلاح‌شناسی در یک کشور خاص به یک اتاق تهاتر در کار اصطلاح‌شناسی تبدیل شود. در چنین حالتی، همکاری اثربخش و مدیریت روند ثبت اصطلاحات به منظور جلوگیری از دوباره‌کاری و نهایتاً ترویج استانداردسازی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. یک مؤسسه ملی اصطلاح‌شناسی می‌تواند به عنوان یک تسهیل‌کننده ملی که به امر ثبت درون‌ادهای اصطلاح‌شناختی جوامع گفتاری و موضوعی مختلف در یک پایگاه داده‌ای متمرکز یا توزیع‌شده می‌پردازد، نقش ایفا کند. به این ترتیب، می‌توان از طریق یک دروازه مرکزی به اطلاعات اصطلاح‌شناختی راه یافت. در نتیجه، مؤسسه ملی اصطلاح‌شناسی می‌تواند خدمات ارزشمندی را به کل جامعه ارائه دهد.

در کشورهایی که یک یا چند جامعه زبانی در منطقه جغرافیایی وسیعی گسترده شده‌اند، ممکن است یک زیرساختار اصطلاح‌شناختی غیرمتمرکز، بهترین راه حل برای مشکلات مربوط به اجرای یک سیاست اصطلاح‌شناسی باشد. دوایر اصطلاح‌شناسی غیر متمرکز می‌توانند (مثلاً برای تأمین دسترسی یکسان و آسان کاربران [زبان] به درگاه‌های متحد برخی سازمان‌های اصطلاح‌شناسی) مورد ارجاع مؤسسه ملی اصطلاح‌شناسی قرار گیرند. ممکن است آن‌ها در مناطقی قرار گرفته باشند که تعداد قلمروهای تخصصی زیاد است، یا در منطقه جغرافیایی - زبانی قرار گرفته باشند که اکثر سخنگویان زبان - اول مربوط به زبانی که نیازمند توسعه اصطلاح‌شناسی است، نیز در همانجا مستقر باشند.

پروژه‌های اصطلاح‌شناسی ممکن است توسط افراد یا توسط سازمان‌ها و انجمن‌های مرتبط موضوعی که نیاز به توسعه اصطلاح‌شناسی در یک قلمرو خاص را احساس کرده‌اند، آغاز شده باشند. به این ترتیب، زبان خود آن‌ها ممکن است در آن منطقه یا قلمرو خاص، کارکرد بیش‌تری بیابد.

۴-۵. اقدامات [بخش] خصوصی

در یک کشور چندزبانه، اصطلاحات، منبعی راهبردی است، چرا که ابزار اشاعه دانش و اطلاعات می‌باشد. با استفاده از اصطلاحات درست، یکدست یا استاندارد شده، مهارت‌های ارتباطی مؤثر علمی و فنی تقویت می‌شوند. ضمناً در «بازار اصطلاحات» (که عرضه‌کننده محصولات و خدمات [اصطلاح‌شناسی] به کاربران است) چه‌بسا مهارت‌ها و پروفایل‌های تخصصی جدیدی ضرورت یابد، که ممکن است متشکل از افراد و مجامع زیر باشد:

- اصطلاح‌سازان (مثل پژوهشگران، تکنیسین‌ها، مدیران اجرایی، و ...)
 - تولیدکنندگان داده‌های اصطلاح‌شناختی (مثل استانداردسازان اصطلاح‌شناسی، تولیدکنندگان پایگاه داده‌های اصطلاح‌شناختی، لغتنامه‌نگاران تخصصی، و ...)
 - توزیع‌کنندگان داده‌های اصطلاح‌شناختی (مثل ناشران لغتنامه‌ها، خدمات اطلاع‌رسانی درون‌خطی، و ...)
 - همه شهروندان به طور عام.
- محصولات اصطلاح‌شناختی عمدتاً عبارت‌اند از:
- انواع مختلف اطلاعات اصطلاح‌شناختی در قالب‌های مختلف و برای مقاصد مختلف و گروه‌های مختلف کاربران؛
 - ابزارهای اصطلاح‌شناختی برای مقاصد مختلف.

اطلاعات اصطلاح‌شناختی (اگر ثبت اصطلاحات را هم جزئی از آن بدانیم) شامل سه نوع از داده‌های اساسی و متمایز از هم می‌گردد، مثل اقلام زیر (که ممکن است تک‌زبانه یا چندزبانه باشند)؛

- خود داده‌های اصطلاح‌شناختی (یعنی اطلاعات یا مفاهیم قلمروهای خاص و بازنمایی آن‌ها با نمادهای زبانی و غیر زبانی که با انواع گوناگونی از داده‌های همراه، تکمیل می‌شوند)؛
 - داده‌های کتابشناختی مربوط به انواع مختلف انتشارات در حوزه اصطلاح‌شناسی؛
 - داده‌های رخدادگانی^۱ درباره مؤسسات، کارشناسان، برنامه‌ها، وقایع و دیگر فعالیت‌های حوزه اصطلاح‌شناسی.
- هر یک از این انواع داده به نوع خاصی از نظام پایگاه داده‌ای نیازمندند (نظامی که یک مجموعه از پایگاه‌های داده‌های متمایز، یا یک نظام پایگاه داده‌ای متمایز و متشکل از چندین مدل داده‌ای مختلف را شامل می‌شود). یک مرکز اطلاع‌رسانی و ثبت اصطلاحات، البته برای مقاصد مختلف و بر مبنای مقولات داده‌ای کاملاً مشخص (برطبق «اهداف اطلاعاتی» لازم برای ثبت هر مدل داده‌ای مفروض) باید به این سه نوع نظام اصلی پایگاه داده‌ای بپردازد. از داده‌های تولیدشده و نگهداری شده در چنین نظام‌هایی، که همراه با نرم‌افزارهای مربوطه هستند، می‌توان در تولید انواع مختلف «محصولات» استفاده کرد و می‌توانند مبنایی برای انواع «خدمات» باشند.
- داده‌های اصطلاح‌شناختی از دیدگاه رسمی نمایانگر دانش تخصصی در سطح مفاهیم هستند و در شکل‌های زیر قابل ارائه می‌باشند؛
- به صورت انتشارات متعارف (یعنی به عنوان یک لغتنامه، واژه‌نامه، واژگان،

^۱ . factual data

و ... چاپی)؛

- به عنوان یک اثر منتشر شده الکترونیکی (که فقط شامل داده‌ها در یک قالب‌بندی خاص، یا در ترکیب با یک نرم‌افزار یا سخت‌افزار می‌باشد، مثل یک لغتنامه الکترونیکی)؛

- از طریق خدمات اطلاعاتی درون‌خطی.

در رایانه‌های دستی یا حتی لغتنامه‌های الکترونیکی کوچک‌تر جیبی، ممکن است داده‌های اصطلاح‌شناختی در قالب یک ترکیب تفکیک‌ناپذیر یا یکپارچه با نرم‌افزارها یا حتی سخت‌افزارهای مربوطه، تکمیل گردند.

مشتریان بازار اصطلاح‌شناسی می‌توانند به فراهم‌آوری داده‌های اصطلاح‌شناختی فقط برای استفاده داخلی یا استفاده مجدد، در جریان تبادل داده‌های اصطلاح‌شناختی، و ... بپردازند. با این حال، گروه‌های مختلف کاربران نیازمند داده‌های اصطلاح‌شناختی در سطوح مختلف جزئیت و دشواری و برای مقاصد مختلف‌اند. بنابراین، آماده کردن داده‌های اصطلاح‌شناختی چندمنظوره برای کاربردها و کاربران مختلف (که رابط کاربرهای متناسب با نوع نیازهای آنان مورد استفاده قرار خواهند گرفت) بسیار اقتصادی خواهد بود. داده‌های اصطلاح‌شناختی را می‌توان به صورت بسیار کارآمد به عنوان اطلاعات اصلی مورد استفاده قرار داد و داده‌های دایره‌المعارف‌های موضوعی را می‌توان حول محور این اطلاعات، شکل داد.

نرم‌افزارهای کاربردی اصطلاح‌شناسی، معمول‌ترین نوع ابزار برای کار کردن با داده‌های اصطلاحی به شیوه‌های گوناگون را میسر می‌سازند. انواع مختلفی از **نظام‌های مدیریت اصطلاحات (TMS)** هستند که به شکل ابزارهای تخصصی برای ثبت، ذخیره، پردازش و برون‌داد داده‌های اصطلاح‌شناختی به شیوه حرفه‌ای و برای مقاصد مختلف، طراحی شده‌اند. **پایگاه‌های داده‌های**

اصطلاح‌شناسی (TDB) از داده‌های اصطلاح‌شناختی و یک «نظام مدیریت اصطلاح‌شناسی» برای پردازش از این داده‌ها تشکیل می‌شوند. گاهی پایگاه‌های بزرگ داده‌های اصطلاح‌شناختی در یک ساختار سازمانی یا نهادی کم و بیش پیچیده‌ای که برای جمع‌آوری و نگهداری مقادیر زیادی از داده‌های اصطلاح‌شناسی برای استفاده کاربران متعدد و مختلف تهیه شده‌اند، ترکیب می‌شوند. بیشتر نظام‌های مدیریت اصطلاح‌شناسی که در حال حاضر بر رایانه‌های شخصی نسب گردیده‌اند، مورد استفاده افراد، شرکت‌های کوچک (به عنوان بخشی از شبکه محلی یا مستقل از آن)، یا بخش‌های بزرگ‌تر (که معمولاً کارگاه‌های فردی به یک اینترنت یا شبکه کم و بیش پیچیده متصل‌اند) قرار می‌گیرند.

نظام‌های مدیریت اصطلاح‌شناسی توسعه‌یافته به ابزارهای چندمنظوره تبدیل شده‌اند که مثلاً در حوزه‌های زیر کاربرد دارند:

- ترجمه به کمک ماشین؛
- تألیف علمی و فنی (از جمله مستندسازی)؛
- اداره قطعات یدکی؛
- تجارت الکترونیکی؛
- ...

از دیگر و، حوزه‌های نظام مدیریت اصطلاحات که از نظر درجه پیچیدگی با یکدیگر تفاوت دارند، قابل اجرا در همه انواع نرم‌افزارهای کاربردی هستند و امروزه کاربرد روزافزونی در روندهای کاری ارتباطات و اطلاعات دارند و بنابراین در حوزه‌های زیر بازار فروش جدیدی پیدا کرده‌اند:

- نگارش فنی گروهی (به وسیله ویراستاران فنی)؛
- مستندسازی (در مفهوم اطلاع‌رسانی و سندداری، و نیز آرشیو و بایگانی)؛

- کار اصطلاح‌شناسی گروهی.
- در نتیجه اقدام به کار اصطلاح‌شناسی گروهی با استفاده از رایانه (و به شکل توزیع شده بر مبنای شبکه‌های رایانه‌ای) می‌توان آماده‌سازی، پردازش، و نگهداری داده‌های اصطلاح‌شناختی را سریع‌تر، اثربخش‌تر، و همراستا با مدیریت کیفیت مدرن انجام داد.
- خدمات اصطلاح‌شناختی زیر اکنون ارائه می‌شوند:
- خدمات مهارت‌آموزی و مشاوره اصطلاح‌شناسی؛
- برون سپاری کارهای اصطلاح‌شناسی؛
- خدمات اطلاع‌رسانی در حوزه اصطلاح‌شناسی.
- معمولاً در کنار ابعاد کاربردی، نیاز به خدمات مشاوره‌ای و مهارت‌آموزی نیز وجود دارد؛ خدماتی مثل:
- کاربرد اصول و روش‌های اصطلاح‌شناختی (از جمله و بخصوص کاربرد درست استانداردهای موجود درباره اصول و روش‌های اصطلاح‌شناختی و نیز استانداردهای مرتبط با آن)؛
- انتخاب و کاربرد ابزارها (مثل نرم‌افزارهای پردازش داده‌های چندزبانه)؛
- مدیریت پروژه‌های اصطلاح‌شناسی، و ...
- کارشناسان حوزه‌های موضوعی عصر حاضر معمولاً دانش لازم درباره نظریه بنیادین منطق و معرفت‌شناسی را که زیربنای فلسفه علم یا علم اطلاعات را تشکیل می‌دهد ندارند، و [نتیجه] نیاز به مهارت‌آموزی در [حوزه] مبانی نظری و روش‌شناختی علم اصطلاح‌شناسی و اصطلاح‌نگاری دارند. در سازمان‌ها و مؤسسات بزرگ، اغلب لازم است که روش‌ها و ابزارهای اصطلاح‌شناختی با طرح‌های مدیریت کیفیت یا مدیریت اطلاعات تلفیق گردند. نهادهای دولتی و دیگر متولیان امور مردم در بسیاری از کشورها،

خواستار اجرای سیاست‌های انتقال دانش هستند؛ انجام این کار، بهره‌جستن از روش‌های مناسب در برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی است. در ضمن، مؤسسات و ازمان‌ها اغلب نیازمند مشاوره دربارهٔ مسائل حقوقی مربوط به کاربرد داده‌ها و ابزارهای اصطلاح‌شناختی (بویژه در رابطه با حقوق دارایی فکری) هستند.

هر روز مؤسسات و سازمان‌های بیش‌تری برون‌سپاری را روش مناسبی برای برآورده کردن نیازهای اصطلاح‌شناسی مشخص شده و محدود خود می‌یابند. برون‌سپاری مثلاً می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- پژوهش و توسعهٔ درخواستی در مورد ابزارها یا کاربردهای جدید؛
- تطبیق ابزارها و ... موجود، مثل:

○ طراحی و اجرای نظام مدیریت اصطلاحات یا حتی داده پایگاه اصطلاح‌شناسی؛

○ فرا جستجوگر^۱ برای شبکه‌های اطلاعاتی، و ...؛

- کار اصطلاح‌شناسی درخواستی در رابطه با:

○ آماده‌سازی اصطلاحات؛

○ نگهداری اصطلاحات (و از جمله بازبینی و روزآمدسازی)؛

○ تغییر یا ادغام داده‌های اصطلاح‌شناختی؛

○ ارزیابی و تأیید داده‌های اصطلاح‌شناختی، و ...؛

- خدمات نگهداری و پس - مراقبت با توجه به:

○ نگهداری و ارتقای نرم‌افزارهای نظام مدیریت اصطلاحات؛

○ نگهداری موجودی‌های جامع داده‌ها، و ...

مشابه با همان وضعیت عمومی که در حوزهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات وجود دارد، هر روز محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی بیش‌تری در قالب یک یا

^۱ . meta-browser

چند نوع از انواع خدمات اطلاعاتی موجود در بازار، یا به شکل ضمايم آن‌ها به بازار عرضه می‌شوند. این محصولات و خدمات در روندی رو به رشد، در دیگر برنامه‌های کاربردی ICT ادغام خواهند شد.

برای توزیع داده‌های اصطلاح‌شناختی در میان گروه‌های مختلف کاربران که نیازهای مختلفی دارند، تلاش‌هایی با مبنای تجاری در جهت ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی بازار محور و هزینه مبنای ایجاد:

- خود داده‌های اصطلاح‌شناسی، و نیز
 - محصولات و خدمات ارزش‌افزوده اصطلاح‌شناختی
- را نباید مورد غفلت قرار داد. به این ترتیب، مشتریان باید برای محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی هزینه پرداخت کنند. اما هرچه که حوزه انتخاب مشتریان از محصولات و خدمات متنوع اصطلاح‌شناختی بیش‌تر شود، این خدمات قابل تهیه‌تر خواهند شد.
- به این ترتیب، باید بین زیرساختار ملی اصطلاح‌شناسی (چه نوع متمرکز و چه غیر متمرکز) با صنایع خصوصی، از طریق همکاری و / یا مهارت‌آموزی اصطلاح‌شناختی و اصطلاح‌نگاشتی (به بخش «۳-۱» مراجعه کنید) هماهنگی کامل وجود داشته باشد. کارشناسانی که در سطح ملی کار می‌کنند می‌توانند در ویرایش و نهایی کردن محصولات نهایی و در انتشار و بازاریابی محصولات، یاری کنند. هر چه که سیاست اصطلاح‌شناسی از همان ابتدا غیر انحصاری و چندزبانه باشد، بازارهای بالقوه بزرگ‌تری خواهد داشت.
- برنامه‌ریزی و اجرای سیاست ملی اصطلاح‌شناسی را مؤسسات دولتی هم قادرند عهده‌دار شوند؛ این امکان نیز وجود دارد که کار به سازمان‌های فعال در بخش خصوصی (شرکت‌های مشاوره تجاری یا NGOهای غیرانتفاعی) ارجاع گردد.

۵. آماده‌سازی، تدوین و اجرای سیاست‌های اصطلاح‌شناسی

این رهنمودها زمینه‌ساز تدوین و اجرای سیاستی که منحصرأ اصطلاح‌شناختی است، کمک می‌کند. چنین سیاست‌های اصطلاح‌شناسی مثلاً در چندین کشور به صورت بخشی از سیاست‌های اطلاعاتی یا سیاست‌های مربوط به فعالیت‌های اطلاعاتی دولتی و غیر دولتی وجود دارند. مؤسسات خصوصی و دولتی معمولاً قواعد، توافقات و رهنمودهای متعددی را با هدف جمع‌آوری و حفاظت از اطلاعاتی که برای برآورده کردن اهداف خاص اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی خود مورد نیازشان است، تدوین می‌کنند. بسیاری از این قواعد، توافقات و رهنمودها با موفقیت اجرا شده‌اند و اکنون به عنوان معیاری برای اعمال و توسعه فعالیت‌های بخصوص، پذیرفته شده‌اند. با این حال گاهی تجزیه آن‌ها موجد حالتی از آشفتگی می‌شود، و غالباً نقش اساسی اصطلاح‌شناسی در آن‌ها نادیده گرفته شده است. با توسعه سریع و همگرایی فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات، مسائل از این هم که هست پیچیده‌تر می‌شود. با این که کانون اصلی این رهنمودها، سیاست‌های اصطلاح‌شناسی است، [ضرورت] هماهنگی و تلفیق این سیاست‌ها با دیگر سیاست‌ها را نباید از نظر دور داشت.

بر مبنای تجارب حاصله در تدوین سیاست‌های ملی دانش و اطلاعات، مراحل توسعه سیاست اصطلاح‌شناسی با توجه به این رهنمودها به قرار زیر است:

- مرحله ۱- آماده‌سازی سیاست اصطلاح‌شناسی؛
- مرحله ۲- تدوین سیاست اصطلاح‌شناسی؛
- مرحله ۳- اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی؛

- مرحله ۴- عملیاتی کردن پایدار زیرساختار اصطلاح‌شناسی و سازوکار سازگاری با سیاست اصطلاح‌شناسی.

این چارچوب بر اصطلاح‌شناسی در سطح کشوری یا جامعه‌ی زبانی متمرکز است؛ اما به راحتی قابل اعمال در دیگر سطوح یا محیط‌های سازمانی نیز می‌باشد.

اهمیت رصد کردن دقیق و اجرا کردن برنامه‌های زمانی برای دستیافته‌های پروژه، از مرحله ۱ به مرحله ۳ افزایش می‌یابد. به علاوه، احتمالاً سطح بازرسی عمومی در مسیر مرحله‌ی اجرایی سیاست اصطلاح‌شناسی افزایش خواهد یافت. مراحل و وظایف فهرست‌شده در زیر، بسته به دامنه‌ی آن‌ها، ممکن است باز هم بیش‌تر تفکیک شوند. تذکر این نکته بسیار مهم است که این مراحل و وظایف به احتمال زیاد، به ترتیب رخ نخواهند داد، بلکه برخی مراحل با یکدیگر همپوشان خواهند بود و گاهی حتی به طور موازی انجام می‌شوند. در نتیجه، برنامه‌ریزی دقیق پروژه به صورتی که مدیران پروژه را قادر به کنترل وظایف تعیین‌شده و مشخص، دستیافته‌ها، و موعد تحویل بخش‌های مهم پروژه می‌سازد، در موفقیت برنامه بسیار مؤثر است. نرم‌افزار مدیریت پروژه که با هدف اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی به کار گرفته می‌شود، به برنامه‌ریزی و پایش اجرای فرایندهای پیچیده بسیار کمک می‌کند.

در هر جایی از این کار، مطالعه‌ی مثال‌ها و تجربه‌هایی از دیگر نقاط جهان بسیار مفید خواهد بود، از جمله به این سبب که با این آگاهی می‌توان از دچار شدن به مشکلات و موانعی که دیگران با آن‌ها روبرو شده‌اند جلوگیری کرد.

۵-۱. مرحله ۱- آمادگی برای سیاست اصطلاح‌شناسی

از آنجا که تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی موضوعی بسیار پیچیده

است، این فرایند باید مبتنی بر آمادگی تمام‌عیار باشد. این مرحله آمادگی ممکن است شامل موارد زیر باشد:

- ارزیابی محیط زبان و اصطلاحات، و ارزیابی قوانین موجود؛
- فعالیت‌هایی با هدف ایجاد هوشیاری زبانی و اقداماتی در جهت کسب جایگاه رسمی برای این فعالیت‌ها؛
- توصیه‌هایی برای [انتخاب] روش، و راهکارهای موجود یا قابل درک؛
- آماده‌سازی اسناد اولیه؛
- سازمان‌دهی یک فرایند مشورتی ملی.

۵-۱-۱. ارزیابی محیط زبان و اصطلاحات

لازم است که ارزیابی جامعی از وضعیت توسعه زبان تخصصی در جامعه زبانی و نیز در جوامع تخصصی بالقوه و بالفعل، از تأثیر زبان تخصصی بر دیگر سیاست‌ها و راهبردها یا تعاملات آن با آن‌ها، و بالأخره از نگرش جامعه زبانی به‌طور عام نسبت به زبان و اصطلاحات، به عمل بیاید. این ارزیابی باید عوامل مؤثر اصلی را مشخص نماید و هرگونه موانع اجتماعی یا روانشناختی موجود بر سر راه یک سیاست اصطلاح‌شناسی را تعیین کند. دیگر ابعاد ملموس و ناملموس و نیز دیگر مشکلاتی که باید بر آن‌ها غلبه گردد نیز باید مشخص شوند. این ارزیابی همچنین باید شامل تحلیل فایده‌های مستقیم و غیر مستقیم، و هزینه‌های احتمالی همراه با تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی نیز باشد. به علاوه، اهداف و دامنه سیاست اصطلاح‌شناسی و نیز گزینه‌های موجود برای تحقق آن باید به‌طور روشن و واضح فهرست شوند تا امکان ارزیابی کامل از موقعیت و به تبع آن، گرفتن نتایج معتبر، میسر گردد. این فرایند می‌تواند شکل یک مطالعه موردی را به خود بگیرد یا حداقل این که یک مطالعه موردی را نیز شامل شود.

این آمادگی اولیه باید شامل مرور چارچوب نظارتی یا چارچوب سیاست با توجه به اطلاعات [مناسب] (از قوانین اساسی، قوانین عمومی، کنترل‌های مقرر، قوانین مصوب، رهنمودهای ملی، فرامین، و ...) باشد. ممکن است نشان‌دادن ناسازگاری‌ها و تعارضات موجود در سیاست‌ها و مقررات جاری، مفید باشد. اطلاعاتی که به این ترتیب جمع‌آوری می‌شود در تحقق سه هدف اصلی مفیدند:

- برجسته کردن ضرورت وجود یک سیاست ملی برای اصطلاح‌شناسی؛
- ارزیابی میزان اذعان متخصصان و کاربران در سطح کلان به این ضرورت؛
- مشخص کردن خلأها و ناکارآمدهای سیاست‌های موجود.
- اسناد لازم شامل موارد زیر هستند:
- مقدمه‌ای بر محیط فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و اداری؛
- ارزیابی اهداف ملی اصلی (که شامل اولویت‌های سیاسی و خاص هر بخش در برنامه توسعه ملی نیز می‌شود)؛
- ارزیابی از وضعیت اجتماعی - اقتصادی جوامع زبانی دخیل؛
- ارزیابی منابع ملی اصطلاح‌شناسی و زبانی، و از جمله تحلیل وضع اصطلاحات در هر زبان؛
- ارزیابی مؤسسات اصلی زبان و اصطلاح‌شناسی، منابع و خدمات آن‌ها؛
- ارزیابی کاربران ملی: ماهیت غالب کاربران شخصی و سازمانی، نیازها و خواسته‌های اصطلاح‌شناختی آن‌ها؛
- ارزیابی وضعیت فعلی سیاست زبان: دامنه و سطح پوشش این سیاست، سازوکارهای تدوین و اجرای سیاست‌ها، و ناکارآمدی‌های آن‌ها؛
- جمع‌بندی مختصری که بیانگر ضرورت سیاست اصطلاح‌شناسی باشد و سطح آگاهی از این نیاز و محدودیت‌های اصلی ملازم با اجرای آن را ارزیابی کند.

کار در مرحله آماده‌سازی، احتمالاً بیش‌تر توسط کارشناسان قلمرو انجام می‌گیرد- کارشناسانی که در یک کمیته یا در چند گروه کاری زیر نظر یک شخص، یک گروه، یا مؤسسه به شکل هماهنگ کار می‌کنند. تدوین ایده‌ها و ارائه نتایج به شیوه‌ای دقیق و آسان‌فهم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا تضمین‌کننده درک روشن مطلب از سوی همه طرف‌های ذینفع و تصمیم‌گیرندگان باشد.

۵-۱-۲. فعالیت برای افزایش آگاهی و تلاش در راه رسمیت‌یافتن

همان‌طور که در بالا گفته شد، حمایت رسمی یا لاقط تشویق رسمی باید در همان ابتدای فرایند آماده‌سازی، تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی به دست آید. این کار معمولاً مستلزم فعالیت‌هایی برای افزایش آگاهی است تا سپس بتوان هر گونه حکم یا رسمیتی را به منظور اجرای یک سیاست اصطلاح‌شناسی صادر کرد. ماهیت اقدامات آگاهی‌افزایی ممکن است در طول زمان تغییر کند. در تمامی این مرحله اولیه توصیه می‌شود که مجریان، تصمیم‌گیرندگان، قانون‌گذاران، و کارشناسان حوزه موضوعی به علاوه چهره‌های برجسته جامعه و نیز رسانه‌ها، همه وارد کار گردند. حمایت فعالانه از شخصیت‌های کلیدی که اهداف پروژه را به خوبی درک می‌کنند در پی‌ریزی مبنایی محکم برای فعالیت‌های آینده، مهم است.

این تلاش‌ها باید تا حدی به شناسایی اسناد موجود (پژوهش‌ها، مطالعات، بررسی‌ها، و ...)، گردآوری مثال‌ها و تجربه‌های خارجی، و تعیین خلأهایی که باید پر شوند منجر گردند تا بتوان برای ارزیابی محیط زبانی و اصطلاح‌شناختی محلی آمادگی یافت.

۵-۱-۳. توصیه‌هایی در مورد روش‌شناسی و روال‌ها

همین که تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها انجام گرفتند و اهداف و دامنه برنامه مشخص شد، باید فهرست کاملی از مناسب‌ترین روش‌های کاربرد، و رویه‌هایی که باید در پیش گرفت، تهیه شود. این روش‌ها و رویه‌ها ممکن است بسته به جوامع مختلف زبانی و نیز در میان متخصصان قلمرو و جوامع کاربری آن زبان، با هم تفاوت‌های چشمگیری داشته باشند. باید به آن‌ها از منظر منابع و ظرفیت‌های موجود و مورد نیاز نگار کرد. اشاره به نمونه‌هایی از بهترین اقدامات اخذ شده از مدل‌ها و تجارب [کشورهای] خارجی در این فرایند، با توجه به حساسیت‌های محلی، بسیار ارزشمند است.

توصیه‌هایی که در این مرحله تدوین می‌شوند باید مختصر، و آشکارا در جهت تسهیل فرایند تصمیم‌گیری برای مراحل بعدی باشند.

۵-۱-۴. آماده‌سازی اسناد اولیه

آماده‌سازی اسناد اولیه با دو هدف اصلی انجام می‌شود:

- تقویت و تحکیم نتایج بررسی و ارزیابی در مقایسه با منابع و ظرفیت‌های موجود؛
 - فراهم آوردن زمینه‌ای برای مشاوره همگانی و سازنده در زمینه‌های مرتبط با سیاست اصطلاح‌شناسی در سطح ملی (یا در سطح جامعه زبانی).
- نتایج حاصل از ارزیابی وضعیت موجود (آن طور که در ۴-۴-۱ آمده) باید در یک یا چند سند زمینه‌ای فشرده گنجانده شود؛ اسنادی که نشان‌دهنده و تحلیل‌کننده یافته‌های به‌دست آمده تا آن زمان، به‌منظور مشخص کردن حوزه‌های اصلی مشکلاتی است که احتمال اثرگذاری آن‌ها بر سیاست ملی زبان و اصطلاح‌شناسی، بیش‌تر است. این تحلیل کانونی، همراه با سند(های)

زمینه‌ای (که در بالا ذکر آن رفت) را می‌توان در سطح ملی در معرض بازبینی همگانی قرار داد تا در نتیجه، سند(های) کاری اصلی مورد استفاده در امر مشاوره در آن سطح را تشکیل دهند. با این حال برخی کشورها، ممکن است ترجیح دهند که زمینه و تحلیل را در یک سند واحد بگنجانند. اما این انتخاب هیچ تأثیر عمده‌یی بر امر مشاوره نخواهد داشت.

از نظر آراستمان^۱ و شیوه‌ارائه این اسناد، باید مراقبت ویژه‌ای به عمل آید تا صورت‌بندی‌ها و ارائه‌های ساده و روشنی به دست داده شود و در نتیجه غیرمتخصصان (مسئولان اجرایی، تصمیم‌گیرندگان، قانونگذاران، و- آخرین اما نه کم‌اهمیت‌ترین قشر، یعنی- عموم مردم) بتوانند به راحتی معنای آن‌ها را بفهمند.

۵-۱-۵. سازمان‌دهی روال مشاوره در سطح جامعه

در بیش‌تر موارد، سازمان‌دهی و اجرای یک فرایند مشاوره انتخابی حتی در جریان آماده‌سازی اسناد اولیه، بسیار مفید خواهد بود. بسته به موقعیت واقعی جامعه زبانی مورد نظر، فرایند مشاوره عمومی در سطح جامعه یا در سطح ملی می‌تواند در یکی از مرحله‌های بعدی هم صورت بگیرد یا در هر یک از مرحله-های اصلی فرایند تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی، تکرار گردد. چنین مشاوره‌هایی ممکن است اهداف مختلفی را دنبال کنند و بنابراین ممکن است صورت‌های مختلفی به خود بگیرند، مثل:

- جلسه؛
- مصاحبه؛
- پیمایش (مثلاً از طریق پرسشنامه).

^۱ . lay out

نتایج مشاوره(ها) باید ثبت و خلاصه شوند و در فرایند تدوین سیاست اصطلاح‌شناسی و نیز در هر یک از فعالیت‌های زمینه‌ای همراه، ادغام گردند.

۵-۲. مرحله ۲- تدوین سیاست اصطلاح‌شناسی

به محض این که فعالیت‌های ذکرشده در مرحله ۱ عملی گشت، پیش‌نویس سیاست ملی اصطلاح‌شناسی را می‌توان بر مبنای حکم حاصله تهیه کرد. این مرحله شامل مراحل زیر می‌باشند:

- تهیه پیش‌نویس سیاست پیشنهادی اصطلاح‌شناسی؛
 - تهیه پیش‌نویس مربوط به برنامه‌ای برای هماهنگی سیاست اصطلاح‌شناسی با دیگر سیاست‌های برنامه‌ریزی راهبردی؛
 - آماده‌سازی برنامه‌ای برای اجرای پروژه؛
 - ارائه پیش‌نویس نهایی سیاست (سند و برنامه اجرایی)؛
 - تصمیم‌گیری درباره سیاست نهایی (سند و برنامه اجرایی).
- کشورها اغلب حوزه پوشش سیاست‌های اصطلاح‌شناسی خود را به اطلاعات علمی- فنی^۱ و خدمات و منابع اطلاعاتی مربوطه محدود می‌کنند. آگاهی از این نکته که اصطلاح‌شناسی یک بخش جدایی‌ناپذیر از اطلاعات علمی- فنی است، باید به تدریج و همراه با ترویج اطلاعات علمی- فنی به عنوان یک منبع مشترک، نهادینه شود؛ منبع مشترکی که ارزش تجاری زیادی دارد و دارای این قابلیت هست که در جهت توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور، نقش مؤثری ایفا کند.

^۱ . STI (Scientific-Technical Information)

۵-۲-۱. تهیه پیش‌نویس سیاست اصطلاح‌شناسی

انتظار می‌رود که سیاست اصطلاح‌شناسی تدوین شده بر مبنای این رویکرد، تضمین‌کننده تأمین نیازهای اصطلاح‌شناختی کشور یا جامعه زبانی باشد، البته با جامعیتی که منابع موجود امکان بدهند. در پیش‌نویس سیاست پیشنهادی اصطلاح‌شناسی، اهداف عینی، دامنه، منافع، ذینفع‌های اصلی و سمت‌وسوی اجرایی سیاست اصطلاح‌شناسی باید در جهت تسهیل فرایند تصمیم‌گیری سیاسی، تدوین شود. در این مرحله، خوب است که یک فرایند ارزیابی برای هر بخش از پیش‌نویس طراحی شود؛ این فرایند نیاز به همکاری افراد بسیاری داد که با اجرای متعاقب آن مربوطان، تا استلزاماتی را که مورد غفلت واقع شده‌اند یا در برآورد آن‌ها راه افراط و تفریط پیموده شده، مشخص کند.

۵-۲-۲. هماهنگ‌سازی برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی با دیگر سیاست‌های

برنامه‌ریزی راهبردی

پیشرفت‌های چشمگیر سال‌های اخیر به سمت جامعه جهانی اطلاعاتی و دانشی، موجود تحولی اساسی در نگرش دولت‌ها به فعالیت‌های اطلاعاتی گردیده که موجب شده در اولویت‌های ملی‌شان تجدید نظر نمایند و سیاست‌های جدیدی را پایه‌گذاری کنند. امروزه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مستلزم داده‌هایی از منابع ملی و بین‌المللی است و همین امر، وجود اصطلاحات در حوزه‌های اجتماعی، مالی، علمی-فنی، و فرهنگی را ایجاب می‌کند. بنابراین سیاست اصطلاح‌شناسی را نه یک موضوع منفصل، بلکه باید یک سند هماهنگ با سیاست یا راهبرد عمومی توسعه و/یا با دیگر راهبردها و سیاست‌های مرتبط با توسعه دانست. این هدف را می‌توان در قالب گزاره‌ای مبنی بر انسجام سیاست اصطلاح‌شناسی که به حصول چندین هدف مختلف

کمک می‌کند محقق کرد:

- پیوند دادن سیاست اصطلاح‌شناسی به سیاست کلی توسعه؛
 - تعیین جایگاه سیاست اصطلاح‌شناسی با توجه به فعالیت‌های توسعه‌ای ملی (و در نتیجه توجیه ضرورت وجود منابع و ظرفیت‌ها)؛
 - ارائه راهنمایی به نهادهای دولتی و شرکت‌های خصوصی و نیز NGOها و NPOها در مدیریت و برنامه‌ریزی منابع و خدمات؛
 - ایجاد مبنایی برای مرور سیاست‌های اصطلاح‌شناسی در آینده در صورت تغییر شرایط؛
 - پیوند دادن سیاست اصطلاح‌شناسی به سیاست‌های ترجمه علمی-فنی و سیاست‌های مرتبط در مدیریت فرایندهای ارتباطات چندزبانه؛
 - برجسته کردن تأثیر دیگر سیاست‌های به هم مرتبط، بر سیاست اصطلاح‌شناسی.
- قاعدتاً سندی مشتمل بر این موارد از هماهنگی، باید با سیاست پیشنهادی اصطلاح‌شناسی، همراه باشد.

۵-۲-۳. برنامه اجرا

توسعه کارآمد شبکه‌های منطقه‌ای و ملی اصطلاح‌شناسی و برنامه‌ریزی آنها، به میزان زیادی بر وجود انواع مختلف زیرساخت‌های ملی دیگر مبتنی است. هر روز بیش از روز پیش این امر پذیرفته می‌شود که پدیدآوردن چنین زیرساختی و تأثیر آن در همکاری‌های منطقه‌ای و ملی حوزه اطلاعات، از طریق تدوین و اجرای سیاست‌های اصطلاح‌شناسی مناسب برای منابع و خدمات خاص، تسهیل می‌گردد. این مرحله، و نیز برنامه‌ریزی به موقع و وجود منابع انسانی کافی، نقش مهمی در برنامه اجرایی سیاست اصطلاح‌شناسی ایفا می‌کنند. تقاضا برای بودجه مرحله اجرایی باید دقیقاً بر مبنای اهداف، دامنه، و

غایت‌ها، و نیز منافع مورد انتظار، برآورد شود. برنامه‌ی اجرایی مشخصاً شامل موارد زیر خواهد بود:

- انتخاب راهبردهای مناسب برای دستیابی به رسیدن به اهداف و نیز غایت-های گوناگون سیاست اصطلاح‌شناسی در یک دوره‌ی زمانی خاص؛
 - تعیین اولویتهای مربوط به موضوعات مختلف سیاست اصطلاح‌شناسی؛
 - اختصاص منابع برای اجرای برنامه‌های مرتبط؛
 - ارائه‌ی پیشنهاد در مورد سازوکار هماهنگی (در چارچوب سیاست اصطلاح‌شناسی و نیز در دیگر سیاست‌ها).
- بسته به دامنه‌ی سیاست اصطلاح‌شناسی و بسته به پیچیدگی و وضعیت موجود، مباحث مدیریت راهبردی که ذکر آن‌ها رفت باید مبتنی بر پژوهش‌های قبلی درباره‌ی موارد زیر باشند:
- طراحی سازوکاری برای اجرای فعالیت‌های مرتبط با سیاست اصطلاح‌شناسی؛
 - ارائه‌ی یک برنامه‌ی عملی برای رسیدن به اهداف مترتب بر سیاست؛
 - تأمین منابع مالی برای اجرای فعالیت‌های مرتبط با سیاست اصطلاح‌شناسی؛
 - طراحی اقداماتی در جهت ارزیابی دوره‌ای برنامه‌ی عملی و ایجاد اصلاحاتی در آن.
- در بیش‌تر موارد، یک پیش‌نویس از برنامه‌ی اجرایی باید با پیشنهاد سیاست اصطلاح‌شناسی، همراه باشد.

۵-۲-۴. ارائه‌ی اسناد سیاست اصطلاح‌شناسی و برنامه‌ی اجرایی آن

پژوهش درباره‌ی مراحل مختلف تهیه‌ی پیش‌نویس متن نهایی سیاست اصطلاح‌شناسی و انگیزه‌دهی به جوامع تخصصی مرتبط با پشتیبانی از این

فعالیت‌ها، امر مهمی است. متن پیش‌نویس نهایی سیاست اصطلاح‌شناسی باید به طور شفاف و نسبتاً مختصر تدوین گردد و دارای اطلاعات دقیق و روزآمد درباره موضوعاتی که نیازمند توجه دولت و دیگر تصمیم‌گیرندگان سیاسی هستند، باشد. این سند به دلایل زیر مورد نیاز است:

- به عنوان مبنایی برای تهیه پیش‌نویس یک متن حقوقی به منظور ارائه برای تصویب رسمی؛
 - فراهم آوردن مرجعی سهل‌الوصول در مورد موضوعات مندرج در سیاست اصطلاح‌شناسی پیشنهادشده؛
 - روشن کردن تلویحات اجرایی سیاست اصطلاح‌شناسی، هم از نظر اقدامات لازم‌الاجرا و هم از نظر منابع مورد نیاز.
- ذکر شفاف نقاط قوت و ضعف وضعیت اصطلاح‌شناسی موجود در کشور یا جامعه زبانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دست آخر این که به آراستمان این سند باید توجه ویژه‌ای مبذول گردد، چون این سند، مرجعی برای مسئولان اجرایی، تصمیم‌گیرندگان و قانون‌گذاران خارج از حوزه اصطلاح‌شناسی می‌باشد که وظیفه تصویب این سیاست را بر عهده دارند. همچنین بسیار مهم است که بهترین مقطع زمانی برای ارائه سیاست-های جدید به دولت انتخاب شود تا دولت آن‌ها را پشتیبانی و تأیید، و با دیگر سیاست‌ها هماهنگ کند، زیرا زمان‌بندی در این مرحله نقش بسیار مؤثری در موفقیت دارد.

۵-۲-۵. تصمیم‌گیری درباره اسناد نهایی سیاست اصطلاح‌شناسی و

برنامه اجرایی آن

تصویب رسمی سیاست نهایی اصطلاح‌شناسی به روش‌های مختلف قابل انجام است:

- از طریق اعلان رسمی یا تصویب یک قانون (یا هر نوع تمهید قانونی دیگر):
 - با ارجاع به سند نهایی سیاست اصطلاح‌شناسی و برنامه اجرایی؛
 - بر مبنای سیاست نهایی اصطلاح‌شناسی (سند و برنامه اجرایی)؛
 - از طریق قبول رسمی و صدور حکم به بدنه اجرایی برای آغاز به اجرای آن؛
 - دیگر انواع تصویب رسمی، مخصوصاً در مواقعی که مؤسسات غیر دولتی به وضع سیاست‌های اصطلاح‌شناسی می‌پردازند.
- اگرچه مهر تصویب رسمی مدیران، سیاستمداران، قانون‌گذاران، تصمیم‌گیرندگان (در NGOها و NPOها)، مردم و رسانه‌ها بسیار مهم است، این که یک برنامه واقعاً برای اجرا باشد و نه فقط یک تکه کاغذ، و این که امضاکنندگان آن در طول مدت اجرا نیز از آن حمایت کنند، اهمیت دارد.

۵-۳. مرحله ۳- اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی

- بیش‌تر اسناد و پیشنهادنامه‌هایی که تا کنون تهیه شده‌اند برای تسهیل در امر اجرا، باید در مرحله ۳ به برنامه‌های عملی ملموس و دیگر اسناد برنامه‌ریزی عملیاتی تبدیل گردند. این مرحله ممکن است شامل موارد زیر باشد:
- مدیریت همگانی اجرا؛
 - برنامه‌ریزی سازمانی و عملیاتی اجرا؛
 - برنامه‌ریزی برای تبلیغ و برای فعالیت‌های ترویجی.
- در این مرحله نیز شرکت فعالانه مدیران، سیاستمداران، قانون‌گذاران، رسانه‌ها و چهره‌های سرشناس جامعه در اجرای موفق و عملی سیاست اصطلاح‌شناسی تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۵-۳-۱. مدیریت اجرایی

بسته به جمعیت جامعهٔ زبانی، پیچیدگی موقعیت و دامنهٔ سیاست اصطلاح‌شناسی، اجرای آن به روش‌های زیر میسر خواهد بود:

- توسط یک یا چند مؤسسهٔ دولتی؛
- توسط یک کمیته یا گروهی از افراد؛
- توسط یک مؤسسه یا سازمان موجود، که این وظیفه به عهدهٔ او نهاده شده؛

- توسط یک مؤسسه یا سازمان تازه‌تأسیس.

تصمیم‌گیری در این باره که چه نهاد، مؤسسه، سازمان یا ساختار دیگری اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی را مدیریت و پیاده‌سازی کند از اهمیتی بسیار برخوردار است. در رسیدن به این تصمیم، نتایج تحقیقات، ارزیابی‌ها و مشاوره‌ها باید مورد توجه قرار گیرند. در اینجا نیز کیفیت اسناد زمینه‌ای و تحقیقات اولیه از اهمیت بسیاری برخوردار است. با این حال، ملاحظات مربوط به وضعیت واقعی سیاسی بر این تصمیم‌گیری اثر خواهد گذاشت. در هر حال، در صورتی که نهاد، مؤسسه یا سازمان تعیین‌شده نتواند مطابق با انتظارات عمل کند، باید امکان تجدید نظر در این انتظارات پیش‌بینی شده باشد.

۵-۳-۲. برنامه‌ریزی عملیاتی و سازمانی [در مرحلهٔ اجرا]

لازم است که در موارد زیر، تصمیم‌گیری بر مبنای پژوهش‌ها و توصیه‌های قبلی انجام گیرد:

- ایجاد یک سازوکار هماهنگی؛
- تدوین روال و برنامهٔ عملی برای اجرای آن؛
- تخصیص منابع انسانی و مالی؛
- اجرای یک سازوکار پایشی.

تعیین دقیق وظایف و نقاط عطف، و تعریف نتایج به صورتی که هم قابل اندازه‌گیری و هم به صورت غیر مستقیم، سودمند باشند بسیار مهم است. به احتمال زیاد، مرحله اجرا با یک سازوکار سنجش و ارزیابی همراه خواهد بود. که انجام بموقع تصحیحات و تنظیمات در برنامه‌ریزی عملیاتی و سازمانی [مرحله] اجرایی را میسر خواهد کرد.

۵-۳-۳. تبلیغ و ترویج

تبلیغ و ترویج در تضمین موفقیت اجرا در طول این مرحله بسیار بااهمیت هستند. اگر نگرش عموم مردم نسبت به سیاست‌های اصطلاح‌شناسی خنثی یا حتی منفی باشد، در نهایت این سیاست و اجرای آن با شکست روبرو خواهد شد. در این مرحله استفاده مداوم از نظام آموزشی بسیار مناسب می‌نماید. در هر حال، اقدامات تبلیغی و ترویجی نیز نیازمند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی دقیق و نظام‌مندند. همکاری با رسانه‌ها و نیز طراحی دقیق وقایع و فعالیت‌های رسانه‌ای در جهت برآورده کردن نیازها و توقعات مخاطبان محلی نیز بسیار ضروری است. از رسانه‌ها می‌توان در قالب پخش رادیویی (مثل رادیوی محلی)، گروه‌های نمایشی (مثل آموزش بهداشت، مخصوصاً در مناطق روستایی و محروم)، اعلان‌ها (مثلاً در بیمارستان‌ها) و ... بهره گرفت. یکی از مهم‌ترین مجاری اشاعه، در همه سطوح سنی، آموزش و پرورش است.

۵-۴. مرحله ۴ - حفظ زیرساختار اصطلاح‌شناسی

در نهایت، سیاست اصطلاح‌شناسی باید حتی در مرحله اجرا- که مظهر یک سرمایه‌گذاری ملی است- عملیات دائمی زیرساختارهای اصطلاح‌شناسی در آینده را مورد توجه قرار دهد. پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای سیاست اصطلاح‌شناسی و زیرساختارها با توجه به موقعیت‌های جدید، امری ضروری

است. مدیریت تغییر یکی از اصلی‌ترین ملزومات شغلی مدیران یک زیرساختار اصطلاح‌شناسی است.

شکل ۲ در زیر، این مراحل را به اختصار نشان می‌دهد (البته باید توجه داشت که مراحل و وظایف مذکور، همیشه با این ترتیب و توالی انجام نمی‌شود، و ممکن است گاهی همپوشانی داشته باشند و حتی گاهی همزمان انجام گیرند):



شکل ۲. خلاصه مراحل

خلاصه

رهنمودهای حاضر بر اساس تجارب برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی و سیاست اصطلاح‌شناسی گزارش شده در کشورهای متعدد با سطوح مختلف توسعه اقتصادی از سرتاسر جهان، طراحی و تنظیم شده است. با رعایت ملاک‌های زیر، احتمال موفقیت سیاست‌های ملی اصطلاح‌شناسی بیش‌تر می‌شود:

- دنبال کردن شیوه‌های مکمل و انعطاف‌پذیر ترکیبی و مبتنی بر همکاری؛
- حمایت فعالانه از «مدیریت منابع انسانی» در مورد کارکنان داخلی، برنامه‌ریزی شغلی، و یادگیری الکترونیکی در مؤسسه‌ها و شبکه‌های مرتبط؛
- اجرای شیوه‌های «مدیریت دانش» (تسهیم دانش) در مؤسسات و شبکه‌های مرتبط و نیز برای طرف‌های همکار در کشور و در سطح بین‌المللی؛
- حفظ یک رابطه نزدیک با نوآوری‌های فناورانه و انتقال دانش؛
- تضمین درجه بالایی از آموزش و تخصص زبانی؛
- طراحی [امکان] استفاده واقعی و پایدار از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و بویژه از فناوری‌های زبان انسانی؛
- توجه به روش‌ها و سیاست‌های پژوهش‌بنیاد؛
- پایه‌گذاری هویت‌ها و بینش‌های مشترک، انگیزه، اعتماد، و مدیریت تخصصی.

بی‌تردید وضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور و جمعیت یک جامعه زبانی، رویکردهای مختلفی را در سیاست‌گذاری اصطلاح‌شناسی ایجاب می‌کند.

با این حال، برخی ملاحظات بسیار کلی وجود دارند که فارغ از هر موقعیت خاص، باید در نظر گرفته شوند:

(۱) سرمایه‌گذاری برای آماده‌سازی تمام‌عیار: همانگونه که قبلاً اشاره شد، مطالعات مقدماتی و اسناد حاصل از آن، مبنای همه فعالیت‌های بعدی در رابطه با سیاست اصطلاح‌شناسی را تشکیل می‌دهند. این مطالعات، اساس اسناد مرجع داخلی و نیز اسناد استدلالی و بنیادین قابل توزیع عمومی را تشکیل می‌دهند. هرچه که این مطالعات، تفصیلی‌تر و جامع‌تر باشند، صرفه‌جویی در وقت و منابع مالی بیش‌تر خواهد بود. نشانه‌هایی در تأیید ضرورت حمایت‌های تبلیغی از سیاست اصطلاح‌شناسی در سطح ملی و بین‌المللی نیز وجود دارند.

(۲) درس‌آموزی از تجربه‌های دیگر کشورها: آشکار است که مطالعه دقیق موفقیت‌ها و بهترین اقدامات در اجرای عملی سیاست اصطلاح‌شناسی، امری ضروری است. با این حال، تحلیل موارد شکست و ارزیابی آن‌ها نیز در طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی بسیار مفید خواهد بود. با مطالعه این تجارب واقعی می‌توان از ابتلا به ناکامی‌های گذشته دیگر کشورها اجتناب ورزید، و از شیوه‌های موفق بهره جست.

(۳) لحاظ کردن طرف‌های ذینفع: تدوین و اجرای یک سیاست اصطلاح‌شناسی فعالیتی است که نیازمند مشارکت افراد و مؤسسات بسیار است. حتی وقتی گروهی از طرف‌های مهم و علاقه‌مند، اقدامی را در این حوزه آغاز کنند، فضای حاکم باید طوری گسترش یابد که همه طرف‌های ذینفع و تصمیم‌گیرندگان مهم را در بر بگیرد و در اسرع وقت، آنان را در فرایند کار، درگیر کند. آنچه اهمیت ویژه‌ای دارد این است که کنترل و حفظ نیروی محرکی که زاینده روحیه مثبت و جامع‌نگر می‌باشد اقدام گردد و از بروز نگرش‌های منفی حاصل از احساس تحقیر، نادیده‌گرفتن، یا غفلت از سوی

طرف‌های ذینفع در فرایند شکل‌گیری سیاست اصطلاح‌شناسی پرهیز گردد. **(۴) ارائه روش‌های کار جمعی:** بهترین نتایج، بویژه در توسعه زبان و اصطلاحات، وقتی به دست می‌آید که زبان‌شناسان، اصطلاح‌شناسان و کارشناسان قلمرویی، همراه با کمیته‌هایی با یکدیگر مشارکت کنند؛ چراکه نوعاً هر گروه از این کارشناسان متفاوت، اندوخته متفاوتی از دانش و تجربه خاص خود دارند که در این کار پیچیده به کار می‌آید:

- دانش قلمرویی (دانش مفهومی)؛
- دانش زبانی (عمومی و مربوط به یک زبان خاص)؛
- دانش اصطلاح‌شناختی (روش‌های کار، که خلاً موجود بین این دو حوزه را از میان برمی‌دارد).

با این حال، روال‌ها و نیز مدیریت گردش کار مربوطه برای کار گروهی رایانه‌ای شبکه-بنیاد (CSCW)، باید با دقت بسیار طراحی شوند تا کارایی و تأثیر لازم را داشته باشد. اجرای این امر ممکن است قدری زمان‌بر باشد.

(۵) آغاز هرچه سریع‌تر ظرفیت‌سازی: سیاست اصطلاح‌شناسی قرار نیست که یک برنامه ایستا باشد، بلکه یک ابزار پویا، زنده و توسعه‌یابنده است که باید با شرایط متغیر سازگاری یابد. با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای اصطلاح‌شناسی و کاربردهای آن، لازم است که تعداد بسیاری از کارشناسان آموزش‌دیده به اجرای آن مبادرت ورزند. آموزش و پرورش این کارشناسان باید در اسرع وقت آغاز گردد تا از بروز شکاف در اجرای موفق سیاست اصطلاح‌شناسی جلوگیری کند.

(۶) ایجاد آگاهی در کل جامعه زبانی: اجرای موفق سیاست اصطلاح‌شناسی تنها در صورتی محقق خواهد شد که این سیاست به آگاهی مخاطبان مورد انتظارش برسد و مورد قبول آنان قرار گیرد.

پیوست: اصطلاحات مورد استفاده در این رهنودها

به منظور افزایش خوانایی متن این رهنمودها، برخی از اصطلاحات اصلی در اینجا توضیح داده شده‌اند. در مورد اصطلاحات استاندارد شده واژگان مورد استفاده در کار اصطلاح‌شناسی و تعاریف دقیق آن‌ها، لطفاً به «استاندارد بین‌المللی ایزو ۱۰۸۷:۲۰۰۰» مراجعه کنید.

ارتباط (در این سند) Communication

ارتباط بین انسانی چه به صورت نوشتاری و چه به صورت گفتاری یا به صورت ارتباط غیر شفاهی.

برنامه‌ریزی ارتباط (در این سند) Communication planning

فعالیت برنامه‌ریزی که با ارتباط بین انسانی مربوط است و شامل «برنامه‌ریزی زبان» و «برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی» می‌شود، چه این فعالیت معطوف به زبان (به معنای دقیق کلمه) باشد، یا این که بیش‌تر سازمانی، فنی، و زیرساختاری باشد.

اصطلاحات‌زدایی De-terminologization

فرایند زبانشناختی که طی آن، اصطلاحات (که در زبان تخصصی مظهر مفاهیم هستند) به عنوان واحدهای واژگانی (مثل کلمه) در زبان عمومی مربوطه مورد استفاده قرار می‌گیرند (مراجعه کنید به اصطلاح‌شدگی).

قلمرو (در این سند) Domain

حوزه موضوعی علمی - فنی یا حوزه تخصصی دیگر.

ارتباط قلمرویی (متراصفات) Domain communication

ارتباط تخصصی؛ ارتباط علمی- فنی؛ ارتباط حرفه‌ای- متفاوت از: ارتباط فنی (technical communication)؛ ارتباط بین انسانی در یک قلمرو، که به مفهوم عملگرایانه، شامل حوزه‌های موضوعی علمی- فنی و نیز دیگر حوزه‌های تخصصی می‌شود.

زبان عمومی General-purpose language (GPL)

(متراصف با) زبان روزمره؛ زبانی که در یک جامعه زبانی، عمدتاً برای مقاصد روزمره از آن استفاده می‌شود.

زبان عمومی GPL

فناوری زبان انسانی HLT

فناوری‌های زبان انسانی (HLTs) Human language technologic

فناوری‌هایی که دانش زبانی را در توسعه نظام‌های رایانه‌ای که قادر به تشخیص، درک، تفسیر و تولید همه صورت‌های زبان بشری می‌باشند، به کار می‌بندند تا برنامه‌های رایانه‌ای ایجاد شوند که تعامل مستقیم انسان با رایانه را امکانپذیر می‌سازند.

مهندسی زبان Language fengineering

حوزه موضوعی که به پردازش زبان طبیعی (NLP) می‌پردازد.

برنامه‌ریزی زبان Language planning

(در این سند) فعالیتی است در امر توسعه زبان که شامل ترکیبی از روش‌ها و رویکردها، از جمله اصطلاح‌شناسی و واژگان‌نگاری، مدیریت اصطلاح‌شناسی، ترجمه و مدیریت ترجمه، و رویکردهای پیکره‌بنیاد (استخراج اصطلاح، تحلیل

پیکره برای مشخص کردن نوواژه‌های ساخته‌شده در جوامع گفتمانی، ... می‌باشد.

نکته: همچون دیگر حوزه‌های مرتبط با زبان، استفاده از فناوری‌های زبان انسانی در برنامه‌ریزی زبان نیز در حال افزایش است.

هنجار زبانی Linguistic norm

مجموعه‌ای از قراردادهای زبانی، که استاندارد مشترک زبانی یک جامعه زبانی تلقی می‌شوند.

نکته: ممکن است گونه‌های بسیاری (مانند گویش‌ها) وجود داشته باشند که قراردادهایشان متفاوت با هنجار زبانی باشد.

سیاست ملی اصطلاح‌شناسی National terminology policy

راهبرد عمومی تدوین شده در سطح تصمیم‌گیری سیاسی در یک کشور یا در یک جامعه زبانی کموبیش خودمختار (در یک کشور یا در منطقه‌ای که در محدوده مرزهای دو یا چند کشور گسترده شده) با هدف توسعه یا تنظیم اصطلاحات موجود یا در حال تکوین برای مقاصد متفاوت.

پردازش زبان طبیعی (NLP) Natural language processing

فعالیت پژوهشی و توسعه‌ای برای طراحی و ساخت نرم‌افزارهایی که زبان‌های مورد استفا معمول انسان را تحلیل می‌کند، می‌فهمد و تولید می‌نماید.

پردازش زبان طبیعی NLP

زبان برای مقاصد ویژه Special purpose language (SPL)

(مترادف با) زبان تخصصی؛ زبان مورد استفاده جوامع متخصص، با مجموعه‌های بزرگ یا کوچک اصطلاحات و قراردادهای زبانی خاص هر قلمرو.

SPL زبان برای مقاصد ویژه Technicalcommunication ارتباط فنی

(مترادفات:) نگارش فنی؛ مستندسازی فنی؛ (در این سند:) آماده‌سازی اسناد نگاشته شده [به زبان] تخصصی یا عمدتاً محتوی متون [به زبان] تخصصی.

Terminological tool ابزار اصطلاح‌شناختی

نرم‌افزار کاربردی اصطلاح‌شناسی، مانند یک نظام مدیریت اصطلاح‌شناسی (TMS) که برای کار بر روی داده‌های اصطلاح‌شناختی به روش‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Terminologies اصطلاح‌نامه‌ها

مجموعه‌ای از نام‌ها که در یک زبان تخصصی بخصوص مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Terminologization اصطلاح‌شدگی

فرایند زبانی که در آن، واحدهای واژگانی زبان عمومی (مثل کلمات) به عنوان اصطلاح (که نمایانگر یک مفهوم در زبان تخصصی مورد نظر می‌باشد) مورد استفاده قرار می‌گیرند (نگاه کنید به اصطلاحات‌زدایی)

Terminology database (TDB) پایگاه داده‌های اصطلاح‌شناسی
پایگاه داده‌ای که شامل داده‌های اصطلاح‌شناختی تک‌زبانه یا چندزبانه است و بر مبنای نیازهای جامعه‌مربوطه در سطح کشوری، جامعه‌زبانی یا محلی، پایه‌گذاری می‌گردد.

Terminology management نظام مدیریت اصطلاح‌شناسی system (TMS)

نرم‌افزاری که برای پردازش داده‌های اصطلاح‌شناختی به شیوه‌ای معین،

طراحی و ساخته می‌شود یا در انواع دیگری از نرم‌افزارهای کاربردی ادغام می‌گردد.

Terminology market بازار اصطلاح‌شناسی

بازاری متشکل از کاربران و تهیه‌کنندگان محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی.

Terminology planning برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی

فعالیت برنامه‌ریزی که به توسعه زبان می‌پردازد؛ عمدتاً به نیازها و الزامات ارتباط قلمرویی می‌پردازد.

Terminology product محصول اصطلاح‌شناسی

نتیجه یک فعالیت اصطلاح‌شناختی در شکل یک محصول، که ممکن است یک اثر اصطلاح‌شناسی به شکل انتشارات متعارف (مانند استاندارد اصطلاح‌شناسی، لغتنامه زبان تخصصی، واژه‌نامه، واژگان، و ...)، مجموعه‌ای از گردآوری داده‌ها به شکل الکترونیکی (مانند پایگاه داده‌های اصطلاح‌شناسی)، یا یک اصطلاح‌شناختی باشد.

Terminology science علم اصطلاح‌شناسی

حوزه موضوعی که به بررسی ساختار، شکل‌گیری، توسعه، کاربرد و مدیریت اصطلاح‌شناسی در حوزه‌های موضوعی مختلف می‌پردازد، و مبانی روش-شناختی برای بسیاری از کاربردها را مهیا می‌کند.

Terminology service خدمات اصطلاح‌شناختی

خدمات مبتنی بر کاربرد اصول، روش‌ها، داده‌ها یا ابزارهای اصطلاح‌شناختی، مانند پژوهش‌های درخواست اصطلاح‌شناسی، مشاوره اصطلاح‌شناسی و خدمات مهارت‌آموزی، مستندسازی و اطلاع‌رسانی اصطلاح‌شناسی،

برون‌سپاری خدمات اطلاع‌رسانی و کارهای اصطلاح‌شناختی [به بخش‌های خارج سازمانی]، و ...

نظام مدیریت اصطلاح‌شناسی **TMS**

منابع (گزیده)

- Antia, Bassey E. Terminology and Language Plannini: an alternative framework of discourse and practice. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins, 2000.
- Bamgbose, Ayo. Language and the nation. The language question in sub- Saharan Africa. Edinburgh: Edinburgh University Press, 1991.
- Cobarrubias, Juan; Fishman, Joshua A. [eds.] Progress in Language Planninig. International Perspectives. Berlin/ Newyork: Mouton, 1983.
- Cooper, Robert L. Language Planning and Social Change. Cambridge: 1989.
- Department of Arts and Culture of the Republic of South Africa. National Language PolicyFramework. Final Draft. Pretoria: DAC, 2002.
- Gadelii, Karl Erland. Language Planning: Throry and Practice. Evaluation of Language planning cases world-wide. Paris: UNESCO, 1999.
- Galinski, Christian; Budin, Gerhard; de V. Cluver, A.D. Terminologieplanung und Sprachplanung. In: Hoffmann, L.; Kalverkamper, H.; Wiegand, H. E. [eds.]. Fachsprachen/ Languages for Special Purposes. Ein internationals Handbuch zur Fachsprachenforschung und Terminologiewissenschaft. Berlin/New York: deGruyter, 1999.
- Lauren, Christer; Myking, Johan; Picht, Heribert. Language and domains: a proposal for a domain dynamics taxonomy. LSP and professional communication, vol. 2, 2002, p. 23-30.

- Montviloff, Victor. National information policies. A handbook on the formulation, approval, implementation and operation of a national policy on information. Paris: UNESCO (publication PGI-90/WS/11), 1990.
- Rudin, Joan; Jernudd, Bjorn [eds.]. Can Language Be Planned? Sociolinguistic Theory and Practice for Developing Nations. Hawaii: University Press of Hawaii, 1971.
- Sager, Juan C. ; Nkwenti-Azeh, B. Terminological problems involved in the process of exchange of new technology between developing and developed countries (Study on recent developments in the relationship between science, trchnology and socirty in different economic, social and cultural contexts). Paris: UNESCO Document No. 59, 1989.
- UNESCO. Recommendation on the promotion and use of multilingualism and universal access to Cyberspace (32/Resolution 41). Paris: UNESCO, 2003.
- Wright, Sue Ellen; Budin, Gerhard [eds.]. Handbook of Terminology Management. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing, 1997 (vol. 1), 2001 (vol. 2).

استانداردهای بین‌المللی ایزو، مرتبط با این اثر

- ISO 639-1:2002 Code for the representation of names of language- Part 1: Alpha-2 code (ISO 639-1/RA-REGISTRATION Authority for the maintenance of the code: infoterm <http://linux.infoterm.org/infoterm-e/raiso639-1-start.htm>)
- ISO 639-2:1998 Code for the representation of names of language- Part 2: Alpha-3 code (ISO 639-2/RA-Registration Authority for the maintenance of the code: Library of Congress <http://lcweb.loc.gov/standards/iso639-2/>)
- ISO 704:2000 Terminology work- Principles and methods
- ISO 860:1996 Terminology work- Harmonization of concepts and terms (under review)
- ISO 1087-1:2000 Terminology- Vocablury- Part 1: General Concepts
- ISO 1087-2:2000 Terminology work- Vocablury- Part 2: Computer application
- ISO 1951: 1997 Lexicographical symbols particulary for use in classified defining Vocabluries (under revision)
- ISO 10241:1992 Preparation and layout of international terminology standards (under revision)
- ISO 12199:2000(E) Alphabetical ordering of multilingual terminological and lexicographical data represented in the Latin alphabet
- ISO 12200:1999 Computer application in terminology- Machine-readable terminology interchange format (MARTIF)- Negotiated interchange
- ISO 12616:2001 Translation-oriented terminology

- ISO/TR 12618:1994 Computer aids in terminology- Creation and use of terminological databases and text corpora (under revision)
- ISO 12620:1999 Computer applications in terminology- Data categories
- ISO 15188:2001 Project management guidelines for terminology standardization
- ISO 16642:2003 Computer applications in terminology Terminology Markup Framework (TMF)

استاندارهای بین‌المللی در دست آماده‌سازی

- ISO/AWI 860 Terminology work- Harmonization of concepts and terms (Revision of ISO 860:1996)
- ISO/WD 1951 Presentation/Representation of entries in specialized dictionaries (Revision of ISO 1951:1997)
- ISO/WD 10241 International terminology standards- Presentation and layout (Revision of ISO 10241:1992)
- ISO 12615:2004 Bibliographic references and source identifiers for terminology work
- ISO/PWI 12620-2 Computer application in terminology- Data Categories- Part 2: Terminological data categories (Revision of ISO 12620:1999)
- ISO/NP 21829 Terminology of language resource management
- ISO/PWI 22128 Quality assurance guidelines for terminology products
- ISO/AWI 22134 Terminology in sociolinguistic application
- ISO/WD 24613 Lexical Markup Framework (LMF)

Guidelines For Terminology Policies

N. Davari Ardakani
A. Zarnikhi

این راهنما برای برنامه‌ریزان حوزه اصطلاحات در هر سطح و با هر هدف و انگیزه‌ای مفید و قابل استفاده است. در واقع این راهنما برای طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌گذاری تهیه شده است که با رویکردی آگاهانه، سامانمند و کنترل شده در صدد وضع، حفظ و کاربرد اصطلاحات در جوامع زبانی معین یا برای چنین جوامعی است.

برنامه‌ریزی اصطلاحات در بسیاری از کشورها فعالیتی مهم قلمداد می‌شود و در سطح ملی، منطقه‌ای، کشوری، محلی، نهادی یا سازمانی انجام می‌گیرد. در ضمن، این کار در حوزه‌های تخصصی مختلف مانند شیمی، زیست‌شناسی، فیزیک، پزشکی و ... نیز انجام می‌شود. به علاوه، کار اصطلاح‌شناسی جزئی از فعالیت‌های معیارسازی و هماهنگ‌سازی در صنعت و در سایر حوزه‌هاست.



Iranian Research Institute
for Scientific Information & Documentation
(IRANDOC)
www.irandoc.ac.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۱۹-۵۴-۰

ISBN: 978-964-7519-54-0

